



1

Vol. 2
Spring 2025
P.P: 11-56

Research Paper

Received:
02 June 2024
Revised:
19 September 2024
Accepted:
03 March 2025
Published:
05 May 2025



Monetary and Banking Audit Challenges; Solutions and Suggestions, Accrual or Cash Accounting Approach? Which One?

Asghar Abolhasani Hastiani ¹ | Mohammad Mahdi Najafielmi ^{*2}

Abstract

The issue of auditing is one of the important issues in the financial and banking system of Iran. Also, the lack of proper auditing has led to an increase in inflation and problems related to income distribution. In this field, One of the important issues is the basis of accrual and cash accounting. Therefore, this article is looking for the optimal accounting model in order to achieve transparency, efficient cost and income management, and liquidity and inflation control. Therefore, the answer to this question has been addressed by using different scientific sources, and with two methods of achieving goals and adapting to Islamic principles. Due to the power of banks to create money, the important point is that accounting in the banking sector has a different analysis from accounting in other sectors, especially in the recent conditions of the Iranian economy, and therefore significant changes have occurred in this field. After examining the types of accounting and the process of trend in Iran's banking sector, this research has addressed some related concepts, and after the pathology of the accounting system, it has analyzed the types of accounting principles based on two goal-oriented approaches and the approach of adapting to Islamic principles. Mainly the results show that the imbalance of banks, increase in liquidity, monetary base and inflation; Irregular increase in expenses and decrease in bank income, increase in nonperforming loans, are the main harms of accrual accounting in Iran. Based on this, firstly, semi-accrual accounting should always be considered to calculate profit in banks; Secondly, for transparency, full accrual accounting should be used along with semi-accrual accounting. Thirdly, at the same time as this process, and in order to gradually control the incomes and expenses in real terms the banking supervisors should also exercise appropriate supervision on the banking system with the help of the balance sheet control.

Keywords: Accounting, Auditing, Cash Basis, Accrual Basis, Banking System, Inflation, Liquidity, Islamic Basics.

1. Corresponding Author: Full professor of Payam Noor University, Faculty of economics, Tehran, Iran. and Deputy Governor of central bank of the islamic republic of iran. a.abolhasani@pnu.ac.ir
2. expert of central bank of iran.



چالش‌های حسابرسی پولی و بانکی؛ راهکارها و پیشنهادها رویکرد حسابداری تعهدی یا نقدی؟ کدام یک؟

اصغر ابوالحسنی هستیانی^{۱*} | محمدمهدی نجفی علمی^۲

چکیده

مسئله حسابرسی از مسائل مهم در نظام مالی و بانکی ایران است. همچنین عدم حسابرسی مناسب، منجر به افزایش تورم و مشکلات مربوط به توزیع درآمد گردیده است. یکی از موضوعات مهم در این زمینه مبنای حسابداری تعهدی و نقدی است. بنابراین این مقاله به دنبال مدل حسابداری بهینه به منظور تحقق شفافیت، مدیریت کارآمد هزینه و درآمد، و کنترل نقدینگی و تورم است. لذا با استفاده از منابع مختلف علمی، و با دو روش تحقق اهداف و تطبیق با مبانی اسلامی، به پاسخ این سؤال پرداخته شده است. نکته مهم این است که حسابداری در بخش بانکی به علت قدرت خلق پول بانک‌ها به‌ویژه در شرایط اخیر اقتصاد ایران، دارای تحلیل متفاوتی با حسابداری در دیگر بخش‌ها است و لذا تغییرات قابل‌توجهی در این زمینه رخ داده است. این تحقیق بعد از بررسی انواع حسابداری و روند تغییرات در بخش بانکی ایران، به برخی مفاهیم مرتبط پرداخته و بعد از آسیب‌شناسی نظام حسابداری، به تحلیل انواع مبانی حسابداری بر اساس دو رویکرد هدف محور و رویکرد تطبیق با مبانی اسلامی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که عمده‌تأثیر ترازی بانک‌ها، افزایش نقدینگی، پایه پولی و تورم؛ افزایش بی‌ضابطه هزینه‌ها و کاهش درآمدهای بانکی، افزایش مطالبات غیر جاری، از آسیب‌های اصلی حسابداری تعهدی در ایران است. بر این اساس، اولاً برای محاسبه سود در بانک‌ها باید همواره حسابداری نیمه تعهدی در نظر گرفته شود؛ ثانیاً برای شفافیت از حسابداری تعهدی کامل نیز در کنار حسابداری نیمه تعهدی استفاده گردد. ثالثاً، هم‌زمان با این روند ناظران بانکی نیز با کمک از کنترل مقداری ترازنامه به‌منظور کنترل تدریجی درآمدها و هزینه‌ها به‌صورت واقعی نظارت مناسبی را بر نظام بانکی اعمال نمایند.

کلیدواژه‌ها: حسابداری، حسابرسی، مبنای نقدی، مبنای تعهدی، نظام بانکی، تورم، نقدینگی، مبانی اسلامی.

۱

سال دوم
بهار ۱۴۰۴
صص: ۵۶-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۳/۱۳

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۶/۲۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۱۳

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۲/۱۵



۱. نویسنده مسئول: استاد تمام گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور و قائم مقام بانک مرکزی ج.ا.ا. a.abolhasani@pnu.ac.ir

۲. مشاور قائم مقام بانک مرکزی.

مقدمه و بیان مسئله

حسابداری یک دانش اجتماعی و کاربردی است. دانشی که با محیط و اوضاع و احوال اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مناسبات حقوقی جامعه‌ای که در آن به کار گرفته می‌شود، رابطه‌ای ذاتی دارد. از این رو، منطق حکم می‌کند که در به کارگیری مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری مختلف، شرایط، الزامات و ویژگی‌های محیطی جامعه هدف در نظر گرفته شود. بر این اساس در جوامع اسلامی، اعتقادات دینی و موازین شرعی عامل اصلی تعیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی، در ابعاد مختلف اقتصادی و ... می‌باشد و نظام حسابداری به عنوان عاملی مؤثر در رفتارهای اقتصادی، از جایگاهی ویژه در این مباحث برخوردار بوده که نیازمند بررسی‌های علمی و تغییرات جدی قلمداد شده است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶).

منطق حکم می‌کند که در به کارگیری مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری مختلف، شرایط، الزامات و ویژگی‌های محیطی جامعه هدف در نظر گرفته شود. تجارب جهانی نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. رواج چنین دیدگاهی در سال‌های اخیر، باعث شده تا سلسه‌ای از پژوهش‌ها در خصوص تأثیر جهانی‌بینی و ارزش‌های حاکم در جوامع اسلامی بر نظام حسابداری و گزارشگری مالی، توسط اندیشمندان مسلمان حسابداری صورت پذیرد. این گروه از اندیشمندان اعتقاد دارند که جهان‌بینی، اصول، اهداف و ارزش‌های اسلامی، از جوامع غربی متفاوت است و الزامات خاص و معاملات حرام در عرصه اقتصاد و اجتماع تحت شریعت اسلام، نیازمند چارچوب، رهنمودها، اصول، قواعد و مفاهیم حسابداری متفاوتی است تا جامعه اسلامی را در رسیدن به اهداف متعالی خودیاری رساند. به بیان دیگر، در جوامع اسلامی، اعتقادات دینی و موازین شرعی عامل اصلی تعیین‌کننده رفتارهای فردی و اجتماعی، در ابعاد مختلف اقتصادی و ... می‌باشد و نظام حسابداری به عنوان عاملی مؤثر در رفتارهای اقتصادی، از جایگاهی ویژه در این مباحث برخوردار بوده که نیازمند بررسی‌های علمی و تغییرات جدی قلمداد شده است. این امر به ویژه در حوزه بانکداری اسلامی، به عنوان توسعه یافته‌ترین بخش نظام مالی اسلامی در جهان، از اهمیت درخور ملاحظه برخوردار است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶).

از لحاظ استانداردسازی حسابداری و گزارشگری مالی در دنیا نهادهایی به وجود آمده و مشغول فعالیت می‌باشند که در میان آن‌ها می‌توان به کمیته «تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری» اشاره نمود. این کمیته از سال ۱۹۷۵ مصوباتی را در قالب ۴۱ استاندارد وضع کرده است که ۳۴ استاندارد آن لازم‌الاجرا است. در جهان اسلام نیز «بانک توسعه اسلامی» برای استاندارد کردن فرایندهای مالی اسلامی در سال ۱۹۹۱ و باهدف تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری، حسابرسی، حاکمیتی و اخلاقی مربوط به فعالیت نهادهای مالی اسلامی با پیروی از اصول شرعی و در نظر گرفتن استانداردهای بین‌المللی، اقدام به تأسیس «سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی (AAOIFI)» کرد که تاکنون ۲۶ استاندارد حسابداری و ۵ استاندارد حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی تهیه کرده است (محرابی و ملاکریمی، ۱۳۹۵). به لحاظ اهمیت و ضرورت موضوع، اقدامات و تحقیقات درخور ملاحظه‌ای توسط مراکز علمی و پژوهشی جوامع مسلمان نظیر بانک توسعه اسلامی (IDB) انجام شده است. این اقدامات منجر به تأسیس سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی (AAOIFI) در سال ۱۹۹۱ م. - باهدف تهیه و تدوین استانداردهای حسابداری، حسابرسی، حاکمیتی و اخلاقی مربوط به فعالیت نهادهای مالی اسلامی با پیروی از اصول شرعی و در نظر گرفتن رویه‌ها و استانداردهای بین‌المللی گردیده است (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱). باوجود سابقه طولانی بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، دیگر کشورهای مسلمان بعد از ایران به تأسیس و راه‌اندازی بانک اسلامی اقدام نموده و در طول دو دهه اخیر این نوع بانکداری به سرعت رواج یافته و از آن استقبال شده است. تأسیس سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی و وضع استانداردهای حسابداری برای عملیات حسابداری بانک‌های اسلامی را می‌توان یکی از دلایل موفقیت بانکداری اسلامی در این کشورها دانست (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶).

بیان مسئله

مسئله حسابرسی و حسابداری در ایران از آن جهت مهم است که قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ تصویب و به مورد اجرا گذاشته شده است، اما سیستم حسابداری مناسب و مورد نیاز برای ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی حاکم بر الزامات این قانون تدوین و طراحی

نشده است (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱). یکی از اصول بدیهی این است که برای تحول نظام بانکداری کشور لازم است اجزا و نظام‌های مرتبط با آن نیز متحول شوند. یکی از بخش‌هایی که باید هم‌زمان با تحول نظام بانکی متحول می‌شد و نقش اساسی هم در اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا داشته، نظام حسابداری بانک‌ها است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر موارد بالا به‌رغم تصریح مفاد اساسنامه سازمان حسابرسی بر این موضوع که در تدوین هر نوع ضابطه، مبنا و استاندارد باید موازین اسلامی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی رعایت شود، نه‌تنها موازین اسلامی در مفاهیم نظری و استانداردهای حسابداری لحاظ نشده بلکه استانداردها با شرایط و ویژگی‌های فرهنگی کشور نیز تطبیق نیافته و عمدتاً با استانداردهای حسابداری بین‌المللی همسو و هماهنگ شده است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). در ایران به‌رغم تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲، برای تطبیق نظام حسابداری مورد عمل به‌نظام مطلوب حسابداری مبتنی بر الزامات شرعی مورد نظر قانون مذکور، اقدامی صورت نپذیرفته است. از این رو، نظام حسابداری و گزارشگری مالی بانک‌های کشور کماکان از الگوی حسابداری مرسوم در سایر نهادهای انتفاعی پیروی می‌نماید. این در حالی است که شورای پول و اعتبار و سازمان حسابرسی نیز تاکنون اقدام مؤثری برای ارائه الگوی حسابداری مناسب به‌منظور اجرای کامل عملیات بانکداری بدون ربا انجام نداده‌اند (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱).

علاوه بر موارد بالا یکی از مهم‌ترین اثرات نظام حسابرسی، اثرات ناشی از ایجاد شفافیت در نظام بانکی ایران، کنترل خلق پول و تورم، توزیع عادلانه درآمد و ثروت و کمک به فرهنگ مناسب برای زندگی است. به عبارت دیگر بانک مرکزی با ایجاد شفافیت حاصل از یک نظام حسابرسی و حسابداری مناسب به سیاست‌گذاری و نظارت صحیح اقتصادی می‌پردازد؛ بانک‌هایی که دارای زیان هستند دیگر به عنوان بانک سود ده شناسایی نشده و در نتیجه نظام بانکی شفاف شده و به‌سوی اصلاح پیش می‌رود. سود موهومی شناسایی شده از دارایی‌های موهومی کنترل و بنابراین نقدینگی کنترل می‌شود. توزیع درآمد حاصل از جریان‌های پولی موهوم نیز کنترل و در نتیجه توزیع درآمد و فرهنگ متناسب با آن اصلاح می‌گردد. به عبارت دیگر با توجه به شرایط اقتصاد ایران می‌توان بیان کرد که یکی از اصلی‌ترین معضلات اقتصاد ایران مسئله تورم است که اصلاح نظام حسابرسی و حسابداری می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر اصلاح متغیرهای کلیدی و کلان

اقتصاد ایران داشته باشد. یعنی به دنبال بهینه کردن نظام بانکی هستیم. بنابراین این تحقیق به دنبال یک سیستم حسابداری است که عملکرد نظام بانکی را بهینه نماید. در این بین آیا این نظام حسابداری باید تعهدی باشد یا نقدی و یا ترکیبی از این دو؟ و آیا باید دارای خصوصیات دیگری نیز باشد یا خیر؟

لذا به عبارت بهتر می توان عمده هدف این مطالعه را ترسیم الگوی مطلوب حسابداری، و وضعیت فعلی و علل و عوامل شکاف بین این دو وضعیت را از نگاه حسابرسی دانست. به عبارت دیگر یک نظام حسابرسی مناسب در شرایط فعلی باید با استفاده صحیح از اصول حسابرسی، به گونه ای باشد که درآمدها و هزینه های نظام بانکی به درستی محاسبه گردد تا نا ترازی نظام بانکی و آثار فراوان نامطلوب آن، واقع نشود. بر این اساس به نظر می رسد تغییر و عدم شفافیت در استانداردهای حسابرسی همراه با عدم نظارت صحیح در نظام بانکی موجب این مشکلات گردیده است. بر این اساس در این تحقیق این استانداردها از نگاه نقدی یا تعهدی بودن مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت نیز پیشنهادات مربوطه مطرح می گردد.

مبانی نظری پژوهش

انواع تقسیمات در حسابداری:

برخی تقسیمات گزارشگری مالی:

چارچوب مفهومی گزارشگری می تواند مبتنی بر «مسئولیت پاسخگویی» یا «سودمندی در تصمیم گیری» باشد. رویکرد غالب در تدوین چارچوب نظری گزارشگری (اعم از بیانیه های هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، سازمان حسابرسی کشور و دیگر کشورها)، رویکرد سودمندی در تصمیم گیری است که تأکید آن بر استفاده کنندگان گزارش های مالی به ویژه سرمایه گذاران و اعتباردهندگان و نیاز اطلاعاتی آنها و توان آنها در تحلیل و به کارگیری اطلاعات مالی است. در رویکرد فعلی مبنای ارزش گذاری، بهای تمام شده و گزارشگری از طریق گزارش وضعیت مالی، گزارش سود و زیان و گزارش جریان وجوه نقد انجام می شود (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج برخی تحقیقات نشان می دهد که چارچوب مفهومی مبتنی بر «مسئولیت پاسخگویی» در مقایسه با چارچوب مفهومی مبتنی بر «سودمندی در تصمیم گیری» برای

گزارشگری مالی در نظام بانکداری بدون ربا مناسب‌تر است (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱). همچنین مدل حسابداری می‌تواند مبتنی بر تئوری وجوه، یا مبتنی بر تئوری شخصیت باشد. نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد مدل حسابداری مبتنی بر تئوری وجوه، نسبت به مدل حسابداری مبتنی بر تئوری شخصیت، برای ایفای مسئولیت پاسخگویی حاکم بر عملیات بانکداری بدون ربا مناسب‌تر است (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱).

همچنین از نظر قالب گزارش دهی نیز می‌توان گزارشگری را تقسیم نمود. صورت‌های مالی می‌تواند در قالب‌های مختلفی باشد. برای مثال انواع قالب‌های ملی برای صورت‌های مالی در ایران و کشورهای دیگر وجود داشته است که برای مثال برای اولین بار در ماده (۷۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۳۹ بانک مرکزی اختیار ابلاغ صورت‌های مالی را پیدا کرده بوده است. علاوه بر این مؤسسات مالی اسلامی نیز در تهیه صورت‌های مالی از الزامات گزارشگری متنوع و گسترده‌ای استفاده می‌کنند. حتی زمانی که مؤسسات مالی مدعی هستند از مجموعه مشابهی از استانداردها استفاده می‌کنند، اما تفاسیر متعددی درباره آن‌ها وجود دارد. بسیاری از این تفاوت‌ها ریشه در دستورالعمل‌های مقررات‌گذاران و بانک‌های مرکزی دارد. برای مثال در همین ارتباط یک بررسی برای تعدادی از شرکت‌ها در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد (پژوهشکده پولی، ۱۳۹۵):

۴۸ شرکت یا ۳۶٪ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را رعایت می‌کنند.

۱۳ شرکت یا ۱۰٪ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی طبق پذیرش کشورهای خاص را رعایت می‌کنند.

۱۹ شرکت یا ۱۴٪ استانداردهای پذیرفته‌شده ملی (محلی)، بدون الزامات مختلف معاملات اسلامی را رعایت می‌کنند.

۲۶ شرکت یا ۲۰٪ استانداردهای پذیرفته‌شده ملی (محلی) با الزامات مختلف معاملات اسلامی را رعایت می‌کنند.

۲۴ شرکت یا ۱۸٪ استانداردهای حسابداری مالی سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی را رعایت می‌کنند.

۲ شرکت یا ۲٪ استانداردهای حسابداری مشخصی نداشتند.

همچنین یکی از صورت‌های مالی استاندارد، استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS)^۱ به‌عنوان یک نوع از نظام گزارشگری مالی است. بانک مرکزی از بانک‌ها خواسته که صورت‌های مالی سال ۱۳۹۵ خود را بر پایه استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS) تهیه کنند. استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS)، به مجموعه‌ای از استانداردهای حسابداری گفته می‌شود که توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) تدوین شده‌اند. هدف این استانداردها، تهیه صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی در قالب یک استاندارد جهانی است. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، یک نهاد مستقل در لندن است که پانزده عضو از کشورهای مختلف دارد و کار خود را از سال ۲۰۰۱ م. آغاز کرده است. پایه‌گذاری این هیئت توسط شرکت‌های بزرگ حسابداری، مؤسسات مالی خصوصی و تعدادی دیگر از سازمان‌های حرفه‌ای در حوزه حسابداری است. تاکنون بیش از ۱۲۰ کشور IFRS را برای گزارش دهی مالی شرکت‌های خود الزامی دانسته‌اند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). البته باید بیان کرد که قالب جدید گزارشگری ابلاغ‌شده در سال ۱۳۹۵، با نسخه‌های استاندارد گزارشگری بین‌المللی IFRS هنوز فاصله زیادی دارد اما در این قالب حداقل نسبت به استانداردهای حسابداری منتشر شده و ابلاغ‌شده به بانک‌ها افشای اطلاعات بیشتری از بانک‌ها درخواست شده است (حیدری و نوربخش، ۱۳۹۶).

همچنین از جایگاه قراردادهای مختلف در ترازنامه نیز برای مثال در کشورهای اسلامی و برای حساب سرمایه‌گذاری مشتریان در قرارداد مضاربه، در بررسی ۷۹ موسسه اسلامی مشخص گردید که (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵):

۵۰ موسسه یا ۶۳٪ به‌عنوان بدهی شناسایی کرده‌اند.

۱۳ موسسه یا ۱۷٪ به‌عنوان یک طبقه میانی بین بدهی و حقوق مالکانه شناسایی کرده‌اند.

یک موسسه یا ۱٪ به‌عنوان یک قلم خارج از ترازنامه شناسایی کرده‌اند.

۳ موسسه یا ۴٪ به‌عنوان بدهی یا به‌عنوان یک قلم خارج از ترازنامه شناسایی کرده‌اند.

۱-۲- انواع تقسیمات حسابداری از نظر زمان شناسایی رویدادهای مالی (نقدی، تعهدی^۲ و ...):

1 International Financial Reporting Standards

2 Cash Accounting and Accrual Accounting

مبنای حسابداری بر این موضوع تأکید دارد که آثار رویدادهای مالی و معاملات باید در چه زمانی برای مقاصد گزارشگری مالی شناسایی شود. یعنی اینکه درآمدها و هزینه‌ها را چه زمانی شناسایی و در دفاتر حسابداری ثبت کنیم. مبنای حسابداری جزء جدایی‌ناپذیر رویکرد اندازه‌گیری است، زیرا زمان شناسایی رویدادها مکمل وظیفه یک رویکرد اندازه‌گیری خاص است (بابایان و همکاران، ۱۳۹۲). تفاوت حسابداری تعهدی با حسابداری مبنای حسابداری در واقع اشاره به زمان شناسایی درآمدها و هزینه‌ها دارد. به عبارت دیگر، زمانی که یک دارایی خریداری یا یک بدهی تحمل می‌گردد، درآمدها و هزینه‌های مرتبط با آن‌ها چه زمانی باید شناسایی و ثبت گردد (شهری، ۱۴۰۱). نقدی در زمان تشخیص درآمد و هزینه است. روش نقدی شناخت سریع‌تری از درآمد و هزینه دارد، درحالی‌که روش تعهدی بر درآمد و هزینه پیش‌بینی‌شده تمرکز دارد. حسابداری تعهدی به این معنی است که درآمد و هزینه هنگام وقوع، شناسایی و ثبت می‌شوند، درحالی‌که حسابداری نقدی به این معنی است که این اقلام تا زمان تسویه مبادلات نقدی مستند نمی‌شوند. بنابراین برخلاف روش نقدی، حسابداری تعهدی درآمد را زمانی ثبت می‌کند که کالا یا خدماتی به مشتری تحویل داده می‌شود به امید اینکه پول در آینده پرداخت خواهد شد. هزینه کالا و خدمات نیز باوجوداینکه هنوز پول نقدی برای آن هزینه‌ها پرداخت نشده است، ثبت می‌گردد.

در یک مطالعه از ۱۱ موسسه مالی اسلامی در ارتباط با درآمد مالی ناشی از مضاربه، انواع روش‌ها به شرح ذیل بوده است (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵):

۶۴ موسسه یا ۵۷٪ از روش بهره مؤثر استفاده کرده‌اند.

۱۱ موسسه یا ۱۰٪ از روش تخصیص نسبی استفاده کرده‌اند.

۱۲ موسسه یا ۱۱٪ از روش تخصیص زمانی استفاده کرده‌اند.

۲۴ موسسه یا ۲۲٪ از سایر روش‌ها (روش خط مستقیم، روش نقدی، روش تعهدی و روش نرخ بازده داخلی) استفاده کرده‌اند.

اگر تحت روش نقدی یک دستگاه به قیمت ۱ میلیارد تومان فروخته شود، این مبلغ تا زمانی که مشتری پول دستگاه را پرداخت نکند، در دفاتر ثبت نمی‌شود. تحت روش تعهدی، مبلغ ۱ میلیارد به عنوان درآمد پس از آنکه فروش صورت می‌گیرد فوراً ثبت می‌شود، حتی اگر پول بعداً

پرداخت گردد. و یا اگر قبض برق ۵۰۰ هزار تومان باشد، تحت حسابداری نقدی، این مبلغ مادامی که پول برق را پرداخت نکنید، در دفاتر ثبت نمی شود. با این حال، تحت حسابداری تعهدی، مبلغ ۵۰۰ هزار تومان در روزی که قبض را دریافت می کنید به عنوان هزینه ثبت می شود. به طور خلاصه موارد زیر را به عنوان موارد افتراق حسابداری تعهدی^۱ و نقدی می توان بیان کرد^۲.

✓ ساختار حسابداری نقدی برای سازمان ها و شرکت هایی که هدف سودآوری دارند و سود به عنوان معیار مناسب برای سنجش عملکرد آن ها می باشد، مناسب است.

✓ برخلاف حسابداری نقدی، حسابداری تعهدی برای سازمان هایی مانند سازمان های دولتی مناسب است، که در آن ها هدف سودآوری نباشد.

✓ هزینه های غیر نقدی مانند استهلاک در حسابداری نقدی در نظر گرفته نمی شود، اما برای بررسی دقیق و هزینه یابی کامل از حسابداری تعهدی استفاده می شود.

✓ اگر در یک شرکت هزینه هایی مانند استهلاک و... در نظر گرفته نشود، در نتیجه تنها تفاوت میان ارقام حسابداری تعهدی و نقدی فقط زمان می باشد.

✓ بر اساس حسابداری تعهدی امکان ارزیابی عملکرد مدیریت سازمان ها، نظام بودجه بندی جامع مبتنی بر فعالیت ها، ثبت کامل مطالبات و تعهدات وجود دارد، که نتیجه این امر مدیریت نقدینگی و مدیریت هزینه می باشد. برخلاف حسابداری تعهدی امکان یادشده در حسابداری نقدی وجود ندارد.

علاوه بر حسابداری نقدی و تعهدی کامل چند روش دیگر نیز به صورت بینابین وجود دارد. به طور کلی انواع مبانی حسابداری از نظر زمان شناسایی درآمد و هزینه عبارت اند از: ۱- مبناي نقدی؛ ۲- مبناي تعهدی؛ ۳- مبناي نیمه تعهدی؛ ۴- مبناي نقدی تعدیل شده؛ ۵- مبناي تعهدی

1 Accrual Accounting

2 <https://www.ariansystem.net/>

3 Cash Accounting

4 Accrual Accounting

5 Semi-Accrual Accounting (mixed basis)

6 Modified (or adjusted) cash basis

تعدیل شده^۱. بر این اساس این موارد علت تفصیل بالا، تنها به صورت جدول زیر به صورت خلاصه نشان داده می‌شود:

جدول ۱. مقایسه انواع مبانی حسابداری بر اساس شناسایی رویداد مالی

ردیف	مبنای حسابداری	روش شناسایی درآمدها	روش شناسایی هزینه‌ها	ملاحظات
۱	مبنای نقدی (کامل)	در زمان دریافت وجه نقد	در زمان پرداخت وجه نقد	نادیده گرفتن اصل تطابق هزینه و درآمد؛ عدم محاسبه واقعی درآمدها و هزینه در دفاتر
۲	مبنای تعهدی (کامل)	در زمان تحقق رویداد	در زمان تحقق رویداد	عدم رعایت کامل اصل محافظه‌کاری؛ درآمدهایی که احتمال وصول آن‌ها در آتی کم است نیز در سود محاسبه می‌شود
۳	مبنای نیمه تعهدی	در زمان دریافت وجه نقد	در زمان تحقق رویداد	رعایت کامل اصل محافظه‌کاری؛ عدم رعایت اصل تطابق (اصل هزینه‌های یک دوره از درآمدهای همان دوره)
۴	مبنای تعدیل شده تعهدی	اگر درآمد قابل اندازه‌گیری بوده و یا احتمال وصول در کوتاه‌مدت باشد	در زمان تحقق رویداد	ضمن رعایت اصل محافظه‌کاری تا حد امکان اصل تطابق حسابداری نیز رعایت

1 Modified (or adjusted) accrual

ردیف	مبنای حسابداری	روش شناسایی درآمدها	روش شناسایی هزینه‌ها	ملاحظات
		اگر درآمد قابل اندازه‌گیری نبوده و یا احتمال وصول در کوتاه‌مدت نباشد	در زمان دریافت وجه نقد	شده است. مطابقت با استانداردهای حسابداری ایران (شماره ۳، ۱۳۸۴)
۵	مبنای نقدی تعدیل‌شده	در زمان دریافت وجه نقد	اگر امکان پرداخت هزینه تا پایان سال مالی مقدور باشد در زمان تحقق رویداد اگر امکان پرداخت هزینه تا پایان سال مالی مقدور نباشد در زمان دریافت وجه نقد	پرداخت‌هایی که قطعی هستند بر مبنای نقدی و پرداخت‌های غیرقطعی هستند بر مبنای تعهدی شناسایی و ثبت می‌گردند

تاریخچه حسابداری نقدی و تعهدی در ایران

استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS)، به مجموعه‌ای از استانداردهای حسابداری گفته می‌شود که توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) تدوین شده‌اند. هدف این استانداردها، تهیه صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی در قالب یک استاندارد جهانی است. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، یک نهاد مستقل در لندن است که پانزده عضو از کشورهای مختلف دارد و کار خود را از سال ۲۰۰۱ م. آغاز کرده است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین اصول پذیرفته‌شده حسابداری (GAAP¹) مجموعه‌ای از اصول، تعاریف و

1 Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)

معیارهای حسابداری است که به عنوان پایه‌ای برای قوانین، رویه‌ها و الزامات حسابداری خاص تر و سیستماتیک‌تر عمل می‌کند و توسط هیئت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) صادر شده است. اصول ده گانه حسابداری GAAP بیشتر مبتنی بر قوانین است در حالی که IFRS بیشتر توسط اصول هدایت می‌شود. GAAP عمدتاً در ایالات متحده استفاده می‌شود و IFRS یک استاندارد بین‌المللی است. IFRS یک استاندارد بین‌المللی تر است و اخیراً تلاش‌هایی برای انتقال گزارش GAAP به IFRS صورت گرفته است. بنیاد حسابداری مالی (FAF)، هیئت استانداردهای حسابداری مالی (CPAs یا AICPA) و شورای مشورتی استانداردهای حسابداری مالی (FASAC) نیز از دیگر نهادهای تأثیرگذار در تدوین مقررات حسابداری در جهان می‌باشند.^۱

همچنین سازمان‌های دیگری نیز در زمینه استانداردسازی در زمینه حسابرسی فعالیت می‌کنند. برای مثال سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی در سال ۱۹۹۰ در کشور بحرین تأسیس شد و استانداردهای مختلفی را ارائه نموده است. حتی استانداردهای سازمان نیز پذیرش همگانی ندارند (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵). گزارشگری مالی تحت حسابداری نقدی اولین بار در ژانویه ۲۰۰۳ منتشر شد. این استاندارد شامل الزامات و یادداشت‌های توضیحی بود که بعد از تاریخ صدور اولیه آن در مورد ارائه اطلاعات بودجه و کمک خارجی دریافت شده در نوامبر ۲۰۰۸ مورد بازبینی قرار گرفت. هدف اصلی این بررسی شناسایی مشکلات اساسی بود که نهادهای بخش دولتی در اقتصادهای در حال توسعه در اجرای مبانی نقدی این استانداردها با مشکلاتی مواجه بودند (صفرزاده و دهپور، ۱۴۰۰). با نگاهی اجمالی به مبانی نظری گزارشگری مالی و سیر تطور تاریخی استانداردهای حسابداری، روشن است که مبنای تعهدی شناسایی درآمد روش تکامل یافته و جامع‌تری نسبت به مبنای نقدی است. از همین روی، دیرزمانی است که به موجب استانداردهای حسابداری، به کارگیری مبنای نقدی در بخش انتفاعی مجاز نیست و در سال‌های اخیر نیز مبنای تعهدی در حال تسری به بخش‌های غیرانتفاعی است. در این باره، مطالعات نظری و تجربی گسترده‌ای در دهه‌های گذشته در کشورهای توسعه یافته انجام و نتیجه آن در استانداردهای حسابداری اعمال شده است (بدری، ۱۳۹۵). البته با وجود روند رو به رشد پذیرش حسابداری تعهدی در سرتاسر جهان، چگونگی پذیرش آن در کشورها متفاوت بوده است. این

^۱ اصول پذیرفته شده حسابداری GAAP چیست؟، آدرس: <https://fartakhesab.ir>

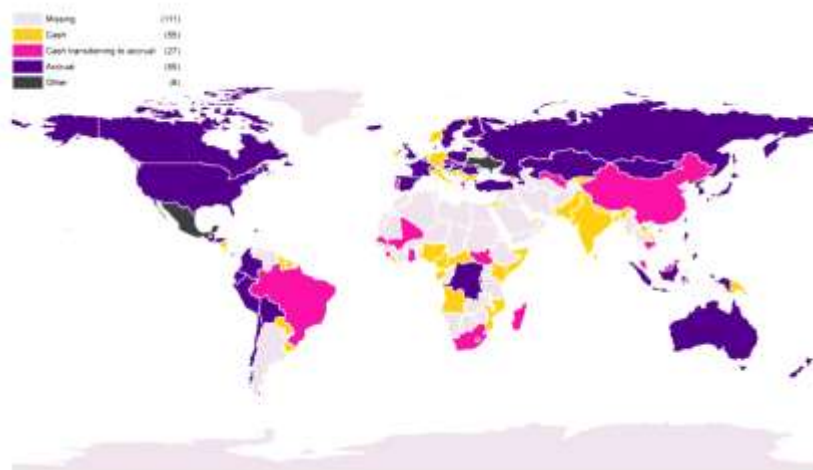
تفاوت‌ها در سه سطح ۱- محتوا، ۲- مدت زمان انتقال از نقدی به تعهدی و ۳- چگونگی پذیرش حسابداری تعهدی مشاهده می‌شود (طالب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰).

اکثر اعضای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) تا حدی حسابداری تعهدی را پذیرفته و تعداد بیشتری نیز در پی اقدام برای پذیرش آن هستند. در کشورهای توسعه‌یافته پذیرش بودجه‌ریزی و حسابداری تعهدی طی یک‌روندی صورت می‌گیرد و بسیاری از کشورهای در حال توسعه عضو در حال انجام این عمل بوده یا در نظر دارند که آن را انجام دهند. در عین حال که در این گزارش به منافع بودجه‌ریزی و حسابداری تعهدی اذعان شده است، به محدودیت‌ها و موانع پیش روی کشورهای در حال توسعه عضو نیز تأکید گردیده است. به‌ویژه، طی دو دهه گذشته، تلاش‌های بسیاری برای بهبود دفترداری پایه و حسابداری نقدی در کشورهای در حال توسعه عضو شده است، اما غالباً این تلاش‌ها به علت فقدان تعهد موجود محدودیت منابع، پیچیدگی و مخالفت شدید گروه‌های ذینفع به نتیجه نرسیده است (ایمانی و همکاران، ۱۳۸۲). بانک توسعه آسیایی (ADB)، با انجام مطالعات تشخیصی در مورد رویه‌های حسابداری و حسابرسی کشورهای در حال توسعه عضو (DMC)، در کنار بررسی سایر مسائل به بررسی میزان استفاده این کشورها از حسابداری تعهدی یا نقدی می‌پردازد. این مطالعات و مذاکرات با مقامات دولتی کشورهای مذکور حاکی از آن است که بسیاری از این دولت‌ها یا در حال انتقال از سیستم حسابداری نقدی به تعهدی هستند یا در نظر دارند دست به چنین اقدامی بزنند (ایمانی و همکاران، ۱۳۸۲). تغییر مبنای حسابداری فعالیت‌های غیر بازرگانی نهادهای بخش عمومی در کشورهای آمریکا، استرالیا، کانادا، انگلیس، نیوزلند و بیشتر کشورهای اروپایی از نقدی به تعهدی در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی انجام پذیرفته و برنامه‌ریزی برای فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت استفاده از مبنای تعهدی کامل نیز در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم انجام شده است (شهروی، ۱۴۰۱). شکل زیر بر اساس فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۱ انواع روش‌های حسابداری را در دنیا نشان می‌دهد^۲:

1 INTERNATIONAL FEDERATION OF ACCOUNTANTS

2 https://www.ifac.org/_flysystem/azure-private/Accounting-Basis-by-Country.pdf

شکل ۱. مبنای حسابداری در کشورها



مبنای حسابداری مورد استفاده در نظام حسابداری دولتی ایران مختلف هستند و در وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی و مؤسسات غیردولتی از مبنای حسابداری متفاوتی استفاده می‌شود. استفاده از مبناهای مختلف به دلیل تفاوت در فعالیت‌ها و محیط حاکم بر هر یک از این نهادهاست (صفرزاده و دهپور، ۱۴۰۰).

همچنین در بخش بانکی ایران برخی فرازونشیب‌ها در ارتباط با نوع گزارشگری مالی وجود داشته است. یکی از برجسته‌ترین این تغییرات تغییر در سال ۱۳۸۲ است که حسابداری نقدی عقود به یک‌باره تبدیل به حسابداری تعهدی گردید. در این بخش انواع تغییرات در انواع الزامات حسابداری به صورت خلاصه نشان داده شده است:

الف- حسابداری نقدی و تعهدی از سال ۱۳۳۴:

در پنجم تیرماه سال ۱۳۳۴ قانون بانکداری از تصویب کمیسیون‌های مجلسین گذشت در همین قانون نخستین بار موضوع نظارت بر بانک‌ها مطرح شد که یکی از وظایف برجسته آن‌ها «وضع مقررات اصولی نسبت به نگهداری حساب‌ها و تنظیم ترازنامه بانک‌ها» بود. بعد از آن قانون پولی و بانکی کشور در هفتم خردادماه ۱۳۳۹ به تصویب رسید که در ماده ۷۶ آن، ضرورت تهیه ترازنامه و حساب سود و زیان طبق نمونه مصوب شورای پول و اعتبار بیان گردید. در بند الف ماده ۷۹ این قانون برخی اصول حسابداری و طرز نگهداری حساب به جای اصول مقرر در قانون تجارت مورد

تجویز قرار گرفت. بعد از آن نیز قانون پولی و بانکی مصوب تیر ۱۳۵۱، نیز شکل ترازنامه و سود و زیان بانک‌ها را مطابق با استانداردهای ارائه شده توسط شورای پول و اعتبار تعیین کرده بودند (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵، ص: ۱۰۱-۱۰۵). بر اساس انواع الگوهای تهیه حساب‌های مالی که از طرف بانک مرکزی برای بانک‌ها ابلاغ می‌گردید، عمدتاً با تأکید بر انواع ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول، به نظر می‌رسد حسابداری تعهدی نیز مبنای الگوهای ابلاغی بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار در محاسبه درآمدها و هزینه‌ها بوده است. البته باید بیان گردد که شناسایی سود در این شرایط ظاهراً بر اساس نوعی از حسابداری مبنی بر ترکیب نقدی و تعهدی بوده است و عموماً همانند بعد از انقلاب تا سال ۱۳۸۱ محاسبه سود نقدی بوده است.

ب- حسابداری نقدی عقود اسلامی بعد از انقلاب اسلامی:

نظرات مختلفی در رابطه با حسابداری در نظام بانکی وجود دارد. همچنین در ارتباط با صنعت بانکداری، تا سال ۱۳۸۲ مبنای حسابداری عقود اسلامی در شبکه بانکی کشور بر اساس حسابداری نقدی استقرار یافته بود.^۱ بعد از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا و با تأسیس سازمان حسابرسی در سال ۱۳۶۶، صورت‌های مالی شرکت‌ها تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. پس از آن در حدود سه دهه در ارتباط با صورت‌های مالی بانک‌ها تغییرات قابل توجهی (البته از نظر شکلی) روی نداده و صورت‌های مالی بانک‌ها در این دوران بیانگر صحیحی از آنچه در بانک‌ها اتفاق می‌افتاد نبود (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵، ص: ۱۰۵-۱۰۶). در ادامه روند حسابداری که مبنای نقدی و تعهدی به صورت ترکیبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، به نظر می‌رسد با تدوین عقود اسلامی و تأکید بر بازدهی عقود بر اساس بازار و به صورت واقعی، حسابداری هر چه بیشتر به مبنای نقدی نزدیک گردید. لذا از این دوره عموماً با عنوان دوران حسابداری نقدی یاد می‌گردد. تا سال ۱۳۸۲ مبنای حسابداری عقود اسلامی در شبکه بانکی، بر اساس حسابداری نقدی بود، اما از ابتدای سال ۱۳۸۲ درآمدهای ناشی از عقود اسلامی بر مبنای روش تعهدی در حساب‌های بانک‌ها منظور گردید.^۲ به موجب این بخشنامه‌ها، درآمد عقود اسلامی و همچنین درآمد حاصل از

۱ با بررسی صورتهای مالی و تاکید صورتهای مالی بر ذخایر مطالبات غیر جاری می‌توان گفت رویکرد حسابداری تعهدی در دستورالعمل‌های بانک مرکزی غالب بوده است. برای مشاهده انواع دستورالعمل‌ها ر.ک: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵.

۲ <https://cbi.ir/category/3719.aspx>

۳ به موجب بخشنامه م/ب/۴۰۳ مورخ ۱۳۸۲/۰۳/۱۰ که در بخشنامه م/ب/۷۷۲ مورخ ۱۳۸۴/۰۴/۲۷ نیز تکمیل گردید.

وجه التزام اقساط سررسید گذشته و معوق عقود مذکور، در پایان هر دوره مالی قابل شناسایی است. هرچند بخشنامه ۷۷۲ در سال ۱۳۸۴ بانک مرکزی در چگونگی شناسایی درآمد، بر «ضرورت محتمل بودن جریان منافع اقتصادی مرتبط با قرارداد» تأکید کرد، اما از آنجا که تشخیص این امر به «قضاوت حرفه‌ای متولیان» سپرده شده بود، عملاً بانک‌ها از فرصت نظارت ضعیف بانک مرکزی کمال استفاده را بردند (دروریان و حسینی دولت‌آبادی، ۱۴۰۰).

ایده ساماندهی بخش مالی و ایجاد تحول در نظام بانکی کشور از زمان تدوین برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مطرح و در اواسط سال ۱۳۸۰ زمینه‌های تحقق نسبی آن فراهم آمد. کار تهیه و تدوین طرح اصلاحات راهبردی در نظام بانکی کشور در تاریخ ۱۳۸۰/۰۶/۱۸ در جلسه مشترک وزیر امور اقتصاد و دارایی با مدیران ارشد بانک مرکزی و بانک‌ها آغاز شد. کلیات طرح اصلاحات راهبردی بانک‌ها در چهارصد و چهاردهمین جلسه مورخ ۱۳۸۱/۰۳/۱۳ مجمع عمومی بانک‌ها که به ریاست وزیر امور اقتصاد و دارایی و با حضور سایر اعضا، رئیس کل بانک مرکزی، مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره بانک‌ها تشکیل شد، مورد تصویب قرار گرفت. در بخش (۸-۳) از این طرح چنین بیان گردیده است (والی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۸۲-۱۸۳ و ۲۰۶):

۸-۳- بررسی و در صورت امکان تغییر روش نقدی به تعهدی در شناسایی سود در صورت‌های مالی بانک‌ها، به نحوی که شناسایی سود بانک‌ها از شفافیت برخوردار شود و واقعیت امر را منعکس سازد.

ج- تبدیل مبنای حسابداری نقدی به تعهدی در سال ۱۳۸۲ (دو بخشنامه)

بر اساس بند ۲ از نه‌صد و نود و سومین صورت جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۳ شورای محترم پول و اعتبار، مقرر گردید درآمدهای ناشی از عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین و قرض الحسنه از ابتدای سال ۱۳۸۲ بر مبنای روش تعهدی شناسایی و در حساب‌های بانک‌ها منظور گردد. لذا تغییرات لازم در دستورالعمل عقود در بخشنامه شماره م/۴۰۳ مورخ ۱۳۸۲/۰۳/۱۰ با عنوان: «تغییر روش ثبت عقود اسلامی از روش نقدی به تعهدی» جهت اجرا بیان گردید. علاوه بر این در بخشنامه شماره م/۲۰۴۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۳؛ «دستورالعمل حسابداری عقود فروش اقساطی - اجاره به شرط تملیک - قرض الحسنه و خرید دین ناشی از تغییر روش نقدی به تعهدی»،

نیز بر اصلاحات مربوط به ثبت‌های حسابداری تأکید و آن‌ها به صورت گسترده تری بیان گردیده است.^۱

د- برخی توصیه‌های احتیاطی در حسابداری تعهدی در ۱۳۸۴

بخشنامه شماره مب/۷۷۲، در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۲۷، عملاً همانند دو بخشنامه قبلی، حسابداری تعهدی را مجاز دانسته و در پایان دو شرط کلی را برای احتساب سود که مبنی بر بازگشت احتمالی جریان درآمدی است، بیان می‌کند. بخشی از این بخشنامه به صورت مشروح چنین بیان شده است:

شورای محترم پول و اعتبار در یک هزار و چهل و چهارمین جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۵ مراتب زیر را در مورد شناسایی درآمد عقود اسلامی بر مبنای روش تعهدی در نظام بانکی کشور به تصویب رساند:

الف- درآمد عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، خرید دین و قرض الحسنه در سررسید یا پایان سال، هر کدام که زودتر باشد و همچنین درآمد حاصل از وجه التزام اقساط سررسید گذشته و معوق عقود مذکور در پایان هر دوره مالی بر اساس قرارداد قابل شناسایی است.

ب- درآمد عقود مشارکت مدنی، مضاربه، سلف و جعاله و وجه التزام مربوط به تسهیلات سررسید گذشته و معوق فوق بر اساس قرارداد و برآورد متکی به ضوابط داخلی بانک در پایان هر دوره مالی قابل شناسایی برای انعکاس در حساب‌های بانک خواهد بود

ج- طبق استانداردهای حسابداری در روش تعهدی لازم است به موارد زیر توجه شود
جریان منافع اقتصادی مرتبط با قرارداد، به درون بانک محتمل باشد.

مبلغ درآمد موضوع قرارداد را بتوان به گونه‌ای اتکا پذیر اندازه گیری کرد.

پس از آن در ماده ۹۷ برنامه پنجم توسعه در سال ۱۳۸۹ نیز بر الزام بانک‌ها به رعایت استانداردهای تعیین شده توسط بانک مرکزی در ارائه گزارش‌های مالی، تأکید گردید. پس از آن نیز در سال ۱۳۹۳ در ماده ۸۶ تصویب‌نامه هیئت وزیران به شماره ۱۳۰۶۷۱/ت ۴۸۴۳۶ نیز الزام

1 <https://cbi.ir/category/3719.aspx>

بانک‌ها به رعایت ضوابط ابلاغی بانک مرکزی در مورد تنظیم صورت‌های مالی مورد تأکید قرار گرفت (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵، ص: ۱۰۷).

ه- بخشنامه ۱۳۹۴ بانک مرکزی؛ بازگشت به حسابداری نقدی در برخی موارد

بخشنامه شماره ۹۴/۲۵۸۰۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۹ «موضوع نقطه توقف شناسایی برخی از درآمدهای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری»، ابتدا بیان می‌دارد که نظرات مختلفی در رابطه با حسابداری در نظام بانکی وجود دارد. بعد از آن بخشنامه بیان می‌دارد که در ارتباط با صنعت بانکداری، تا سال ۱۳۸۲ مبنای حسابداری عقود اسلامی در شبکه بانکی کشور بر اساس حسابداری نقدی استقرار یافته بود لیکن بر اساس مصوبه سال ۱۳۸۱ شورای محترم پول و اعتبار، مقرر گردید درآمدهای ناشی از عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین و قرض‌الحسنه از ابتدای سال ۱۳۸۲ بر مبنای روش تعهدی شناسایی و در حساب‌های بانک‌ها منظور گردید. بخشنامه سپس بیان می‌دارد که حسابداری تعهدی با دو شرط محتمل بودن جریان قرارداد و همچنین اندازه‌گیری مبلغ قرارداد به شکل اتکاپذیر، بیان گردیده بود (بند ج بخشنامه سال ۱۳۸۴). بنابراین قضاوت حرفه‌ای متولیان حائز اهمیت می‌باشد. سپس بخشنامه بیان می‌دارد که نظر به اینکه اقدام برخی مؤسسات اعتباری در ادامه شناسایی درآمد انواع تسهیلات و تعهدات، بدون توجه به معیارهای مطرح شده منتج به شناسایی سوده‌های موهوم در شبکه بانکی کشور، توزیع آن به ذینفعان و نهایتاً تحمیل ریسک بی‌مایگی به نظام بانکی کشور گردیده است، لذا مقتضی است دستور فرمایند، به دلیل وجود تردید و ابهام با اهمیت در خصوص وصول مطالباتی که بر اساس ضوابط مقرر در دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری به طبقه مشکوک‌الوصول منتقل می‌شوند، از ابتدای دی‌ماه سال جاری، شناسایی درآمد این قبیل مطالبات (اعم از سود، وجه التزام تأخیر تأدیه دین و کارمزد) متوقف و هرگونه شناسایی مجدد درآمد مزبور به رفع کامل ابهام یادشده (وصول وجه نقد) موکول گردد. بدیهی است در ارتباط با مطالباتی که قبل از انتقال به طبقه مشکوک‌الوصول نیز حائز شرایط شناسایی درآمد نمی‌باشند، مؤسسه اعتباری مکلف است صرف نظر از طبقه‌ای که مطالبات در آن منعکس شده است، شناسایی درآمد مزبور را تا زمان احراز مجدد معیارهای یادشده متوقف نماید.^۱

1 <https://cbi.ir/category/3719.aspx>

و- استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (آی‌اف‌آراس)^۱ تعدیل یافته

بانک مرکزی باهدف تهیه صورت‌های مالی استاندارد و نیز ضوابط حاکم بر فعالیت‌ها و بهبود گزارشگری در افشای اطلاعات و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، طی اطلاعیه مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۸ از بانک‌ها خواسته که صورت‌های مالی سال ۱۳۹۵ خود را بر پایه استانداردهای بین‌المللی (IFRS) تهیه کنند. استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS)، به مجموعه‌ای از استانداردهای حسابداری گفته می‌شود که توسط هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) تدوین شده‌اند. هدف این استانداردها، تهیه صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی در قالب یک استاندارد جهانی است. هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی، یک نهاد مستقل در لندن است که پانزده عضو از کشورهای مختلف دارد و کار خود را از سال ۲۰۰۱ م. آغاز کرده است. پایه‌گذاری این هیئت توسط شرکت‌های بزرگ حسابداری، مؤسسات مالی خصوصی و تعدادی دیگر از سازمان‌های حرفه‌ای در حوزه حسابداری است. تاکنون بیش از ۱۲۰ کشور IFRS را برای گزارش دهی مالی شرکت‌های خود الزامی دانسته‌اند. اگرچه بانک مرکزی اجرای این استاندارد را باهدف ایجاد شفافیت در گزارشگری بانک‌ها الزامی کرده، ولی شواهد نشان می‌دهد این یک تصمیم حاکمیتی است که قصد دارد به وسیله آن شرایط را برای دوره پس از برجام فراهم کند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). البته اگرچه بانک مرکزی اجرای این استاندارد را باهدف ایجاد شفافیت در گزارشگری بانک‌ها الزامی کرده، ولی شواهد نشان می‌دهد این یک تصمیم حاکمیتی است که قصد دارد به وسیله آن شرایط را برای دوره پس از برجام فراهم کند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این باید بیان کرد که قالب جدید گزارشگری ابلاغ شده در سال ۱۳۹۵، با نسخه‌های استاندارد گزارشگری بین‌المللی IFRS هنوز فاصله زیادی دارد اما در این قالب حداقل نسبت به استانداردهای حسابداری منتشر شده و ابلاغ شده به بانک‌ها افشای اطلاعات بیشتری از بانک‌ها درخواست شده است، بنابراین این قالب نسبت به استانداردهای قبلی بیشتر باعث افشای تمامی درآمدهای بهره‌ای در بانک‌ها و جلوگیری از شناسایی سودهای تعهدی موهومی شده است. این شفافیت در ابراز درآمدهای تعهدی و تأکید بیشتر بر تغییر جهت آن‌ها به سمت درآمدهای نقدی باعث شده است میزان درآمد و سود خالص آن‌ها کاهش یابد.

1 International Financial Reporting System (IFRS)

همچنین این تغییر باعث تغییر نگاه مدیران بانک به نحوه درآمدزایی و در نهایت کاهش میزان درآمد در معرض خطر بانک در سال ۹۵ به میزان بیش از ۲۰ درصد نسبت به سال ۹۴ شده است (حیدری و نوربخش، ۱۳۹۶). بعد از آن بانک‌های ایران مکلف به همگرایی با صورت‌های مالی همگرا با استانداردهای IFRS که با شرایط بومی ایران نیز تعدیل شده است، گردیدند. این استانداردها سعی داشته است تعریف مشخص و واضح‌تری از درون بانک ارائه بدهد (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۵، ص: ۱۰۵-۱۰۶).

بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دستورالعمل شناسایی درآمد مؤسسات اعتباری، ۱۳۹۵، فصل سوم، ماده ۱۵، نحوه شناسایی درآمد کارمزد و مطالبات غیر جاری بیان می‌دارد که: «موسسه اعتباری موظف است درآمد کارمزد خدمات بانکی را در زمان اتمام ارائه خدمت شناسایی نماید». همچنین در فصل پنجم در موضوع شناسایی درآمد مطالبات غیر جاری ماده ۲۰ بیان می‌دارد که: «مؤسسات اعتباری می‌توانند درآمد مطالباتی را که دارای وثایق و تضامین نقد و شبه نقد می‌باشند و بر اساس ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی در خصوص طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری به طبقه مشکوک الوصول منتقل می‌شوند را حداکثر تا زمان انتقال به طبقه مزبور شناسایی نماید» و در ماده ۲۱ نیز بیان شده است که: «موسسه اعتباری موظف است شناسایی درآمد بخش جاری و غیر جاری مطالباتی را که فاقد وثایق و تضامین نقد و شبه نقد می‌باشند و بر اساس ضوابط ابلاغی از سوی بانک مرکزی در خصوص طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری به طبقه معوق منتقل می‌شوند را از زمان انتقال به طبقه مزبور متوقف نماید». بنابراین با توجه به دستورالعمل بانک مرکزی خصوصاً مواد ۲۰ و ۲۱ می‌توان استنباط نمود که مبنای حسابداری بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مورد تأیید بانک مرکزی ج.ا.ا تا حدودی مبنای حسابداری تعهدی تعدیل شده می‌باشد. به عبارت خلاصه می‌توان بیان نمود که ابلاغ این استانداردها، حرکتی از سمت استانداردهای حسابداری تعهدی کامل به سمت استانداردهایی نزدیک‌تر به استاندارد نقدی بوده است.

البته نکته مهم در این ارتباط این است که بانک‌ها عموماً با روش‌های مختلف از جمله امهال مطالبات بر اساس بخش‌نامه‌های بانک و یا برخلاف آن‌ها، این موارد را رعایت نمی‌کنند. یا در بسیاری موارد بانک‌ها در این زمینه تخلف کرده و دستورالعمل‌های بانک مرکزی در ارتباط با

میزان و نحوه امهال مطالبات را نیز رعایت نمی کنند هرچند که نمی توان کمبود مربوط به قوانین را در این زمینه نادیده گرفت.

آسیب شناسی حسابداری در بانکداری ایران

تفاوت بین زمان سوددهی پروژه یا بازگشت تسهیلات و بین پرداخت سود به سپرده گذاران (با فرض تراز بودن بانک) و همچنین تفاوت بین درآمد تسهیلات و پرداخت سود، می تواند تغییرات نرخ سود در بلندمدت را با تغییرات نرخ سپرده متمایز گرداند به همین دلیل عدم تناسب درآمدها و هزینه ها در نظام بانکی به صورت بیشتری مشهود بوده و لذا مشکلات بیشتری را ایجاد کرده است.

۳-۱- عدم رعایت الزامات حسابداری تعهدی در ایران

اجرای عجولانه و بدون تمهید روش تعهدی کامل در بانکها، عامل اصلی شناسایی سودهای موهوم و در پی آن انباشت دارایی های موهوم در نظام بانکی بوده است که شاید امروز به تنهایی بیش از نیمی از معضل ترازنامه بانک های ایران را تشکیل می دهد.^۱ از قدیمی ترین نسخ استانداردهای حسابداری تاکنون، همواره اطمینان معقول به تحقق جریان نقد مرتبط با درآمد از شرایط اصلی شناسایی درآمد بوده است. اصلی که از همان ابتدای گذر از مبنای نقدی به تعهدی در بانکداری ایران جدی گرفته نشد. گذر از مبنای نقدی به تعهدی در نظام بانکی ایران در بررسی تطبیقی با دیگر کشورها، دست کم مستلزم آماده سازی سه رکن پیش نیاز به ترتیب شامل ۱- مدیریت حرفه ای (باهمه ابزار و لوازمش)، ۲- حسابرسی مستقل باکیفیت (باهمه ویژگی های تعریف شده اش) و ۳- نظارت کارآمد مقام ناظر بانکی (باهمه اختیارات و ابزارهای مورد نیازش) بوده است. مدیریت بانک نباید تحت هیچ شرایطی به شناسایی انواع گوناگونی از سودهای موهوم و بدتر از آن، تقسیم آن اقدام می کرد. حسابرس مستقل در صورت عدم ایفای کامل این نقش از سوی مدیریت، نباید با استفاده از ابزار رفع تکلیف درج بند در گزارش حسابرسی (مقصود بندهای شرط گوناگون و غالباً پر شمار قبل و بعد از بند اظهار نظر است) همانند گزارش های مربوط به سایر

۱- اولی الله سیف (۱۳۹۵)، سخنرانی در همایش: «استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی IFRS و نقش آن در ارتقای شفافیت بازارهای مالی»

بنگاه‌های اقتصادی که از نظر اهمیت، ضرورت شفافیت و سلامت مالی با بانک‌ها قابل قیاس نیست، از کنار آن می‌گذشت و سرانجام اگر این دو به تکلیف عمل نمی‌کردند، این مقام ناظر بر بانک‌ها بود که نباید چشم بر آن فرومی‌بست. اما امروز، شواهد موجود نشان می‌دهد (البته با درجات متفاوتی) هر سه رکن پیش گفته در صنعت بانکداری ایران آن گونه که باید عمل نکردند و نتیجه آن شد که نباید (بدری، ۱۳۹۵).

استانداردهای مورد عمل در ایران و بسیاری کشورهای در حال توسعه نیز سال‌ها است بر مبنای حرکت به سمت حسابداری تعهدی در بخش‌های غیرانتفاعی قرار گرفته است. در عین حال، واقعیت مهمی به نام تقلید و اجرای ناقص که در غالب پدیده‌های به عاریت گرفته شده از دیگران (به‌ویژه در حوزه علوم اجتماعی) نادیده انگاشته شده و می‌شود، در مورد استفاده از مبنای تعهدی در صنعت بانکداری ایران نیز رخ داده است (بدری، ۱۳۹۵). مبنای حسابداری مفهوم مستقلی است که تنها بر زمان شناسایی، ثبت و گزارش رویدادهای مالی تأکید می‌کند اما در عمل با مفهوم مستقل دیگری با عنوان رویکرد اندازه‌گیری^۱ ترکیب می‌شود. رویکرد اندازه‌گیری نیز مفهومی است که بر شناسایی و گزارش عنصری از عناصر مالی تمرکز می‌کند، بدین معنی که چه چیزی باید شناسایی، ثبت و گزارش شود. این همان مفهومی است که بسیاری از حسابداران کشور آن را نادیده گرفته و کارکرد آن را به پای مبنای حسابداری قربانی کرده‌اند. به بیان دیگر، این دو مفهوم در ترکیب باهم و به زبان حسابداری می‌گویند چه چیزی^۲ و چه زمانی^۳ شناسایی و گزارش می‌شود. عدم توجه به شرط محتمل بودن جریان ورودی منابع اقتصادی به عنوان یکی از شروط مقرر در استانداردها هنگام شناسایی درآمد یا عدم محاسبه ذخیره کافی در پایان دوره توسط یک یا چند واحد گزارشگر به معنی ضعف مبنای تعهدی نیست. در واقع، عدم رعایت الزامات مبنای حسابداری تعهدی تعدیل شده (در دسترس بودن) نیز منجر به اعلام سودهای موهوم و تصمیم‌گیری‌های اشتباه بر اساس اطلاعات تولید شده در سیستم حسابداری می‌شود.^۴

1 Measurement Focus

2 What

3 When

^۴ پاسخ وزارت اقتصاد به یک یادداشت، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۱۲/۱۸.

شناسایی سود موهومی و نا ترازای بانک‌ها

به دلیل اهمیت حیاتی جریان نقد در صنعت بانکداری و به منظور ارائه تحلیل درستی از وضعیت مالی امروز بانک‌ها، باید تصویری از سمت راست ترازنامه آن‌ها ایجاد کرد که در آن، دارایی‌های بانک به چهار طبقه تقسیم شود. طبقه نخست دارایی‌های ثابت (برای اداره بانک)؛ دوم، دارایی‌های مولد جریان نقد؛ سوم، دارایی‌های منجمد فاقد جریان نقد و چهارم، دارایی‌های موهوم که امروز بزرگ‌ترین معضل بانک‌ها است و هیچ راهی به جز حذف آن‌ها از ترازنامه وجود ندارد که در آن صورت، معادل آن زیان انباشته موجود پنهان عیان می‌شود و این گام بی‌تردید مهم‌ترین و شجاعانه‌ترین تصمیم در شفاف‌سازی ترازنامه بانک‌ها است؛ اما در اغلب تحلیل‌های ارائه‌شده از وضعیت مالی بانک‌ها، دسته سوم و چهارم را در یک طبقه با عنوان دارایی‌های سمی، منجمد، قفل‌شده و نظایر آن قرار می‌دهند که صحیح نیست؛ به عنوان مثال غالباً در این تحلیل‌ها، بدهی دولت به نظام بانکی در این طبقه قرار می‌گیرد و به عنوان معضل اصلی از آن یاد می‌شود. در حالی که اولاً این موضوع در مورد همه بانک‌ها مصداق ندارد و دوم، این نوع از دارایی‌ها برای بانک تا جایی که به اصل و سودهای شناسایی‌شده مجاز آن مربوط است، اگرچه فاقد جریان نقد جاری است، به هیچ‌روی موهوم تلقی نمی‌شود؛ بنابراین فقط یک دسته از این دارایی‌ها است که مولد جریان نقد ورودی (و نه سود حسابداری) است و باید یک‌تنه جور تمام جریان نقد مصرفی بانک‌ها را که با اهمیت‌ترین آن سود عنان گسیخته سپرده‌ها است بر دوش بکشد (بدری، ۱۳۹۵).

در نهایت اجرای ناقص حسابداری تعهدی در نظام بانکی در سال ۱۳۸۲ منجر به «شناسایی سودهای موهوم در شبکه بانکی، توزیع آن به ذینفعان و نهایتاً تحمیل ریسک بی‌مایگی به نظام بانکی کشور گردید». این وضعیت از سال ۱۳۸۲ (تقریباً هم‌زمان با ظهور بانک‌های خصوصی در کشور) تا اواخر سال ۱۳۹۴ (و ابلاغ بخشنامه شماره ۹۴/۲۵۸۰۲۰) ادامه داشت و موجب پوسیدگی شبکه بانکی کشور از درون گردید. تغییر مبنای حسابداری از نقدی به تعهدی و تداوم اجرای ناقص و نظارت ضعیف بر آن برای بیش از یک دهه، در شرایطی انجام شد که هیچ‌یک از سه رکن پیش‌نیاز آن، یعنی مدیریت حرفه‌ای داخل بانک، حسابرسی مستقل و باکیفیت و در نهایت

نظارت کارآمد مقام ناظر بانکی، محقق نشده بود (درودیان و حسینی دولت آبادی، ۱۴۰۰). سود خالص اعلام شده بانک‌ها و داده‌های افشاشده مربوط به آن از جمله اطلاعاتی است که در تصمیم‌گیری تحلیلگران بازار سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد. هرچند توجه حرفه حسابداری بر این هدف استوار بوده است که سود خالص گزارش شده، نتیجه عملکرد واحد تجاری را به درستی منعکس نماید؛ اما از آنجا که این رقم بر مبنای تعهدی محاسبه می‌شود و همچنین از آنجا که احتمال می‌رود مدیران بانک‌ها با انگیزه هموارسازی سود اقدام به دست‌کاری آن کنند، مطالعه و بررسی کیفیت سود اعلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. طبق روش تعهدی، شناسایی درآمدها و هزینه‌ها برخلاف روش نقدی لزوماً همراه با دریافت و پرداخت وجه نقد نبوده و در محاسبه سود از پیش‌بینی‌ها و برآوردها نیز استفاده می‌شود. چگونگی اندازه‌گیری اقلام تعهدی در گزارشگری سود واحد تجاری با موضوع کیفیت سود در ارتباط است. لذا اختیار عمل مدیران در استفاده از اصول تحقق و تطابق و استفاده از برآورد و پیش‌بینی از جمله عواملی است که کیفیت سود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، بزرگ‌ترین قلم در بین اقلام تعهدی بانک‌ها، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول است که می‌تواند در هموارسازی سود مؤثر بوده و کیفیت سود اعلامی بانک‌ها را تحت الشعاع قرار دهد. بنابراین مدیران بانک‌ها در دوره با سود بالا، اقدام به ذخیره سود از طریق ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول می‌کنند و بالعکس، در دوره‌های با سود اندک، از طریق کاهش ذخیره م.م اقدام به مصرف سود آینده و انتقال آن به دوره جاری می‌کنند. همچنین با افزایش هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول سود واقعی را کاهش داده تا در آینده قدرت و انعطاف‌پذیری لازم را برای افزایش سود داشته باشند (بدری و همکاران، ۱۳۹۷).

تغییر مبنای نقدی به مبنای تعهدی در نظام بانکی ایران بیش از یک دهه قبل صورت گرفت و امروز محصول علیل آن در ترازنامه بانک‌های کشور برجای مانده است و دقیقاً شبیه سلول‌های قدرتمند سرطانی در حال بلعیدن سلول‌های سالم و بی‌رمقی است که عاقبت آن، بدون تردید، از کارافتادن کامل بافت‌های زنده باقیمانده است (بدری، ۱۳۹۵). اجرای ناقص الگوی حسابداری تعهدی در نظام بانکی ایران این امکان را به بانک‌ها می‌داد که به محض تعریف تسهیلات و بدون بازگشت واقعی آن، دارایی و سود شناسایی کنند، بانک‌ها برای پوشاندن شکاف دارایی-بدهی

(زیان) به ساختن دارایی‌های موهومی پرداختند (از طریق امهال مطالبات غیر جاری و بیش ارزش گذاری دارایی‌های ثابت). امهال مطالبات نه فقط به جهت زنده نشان دادن دارایی‌ها برای بانک‌ها مطلوب بود، بلکه برای وام‌گیرندگان نیز از جهت تداوم حیات آن‌ها تنها انتخاب موجه بود. در این بین نه حساب‌رسان بانک‌ها و نه بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و سیاست‌گذار پولی، تمایلی به افشای معضل و ابعاد آن نداشتند. لذا می‌توان گفت پوشاندن نا تراز بانک‌ها در ایران و تداوم آن، محصول یک توافق ضمنی بین همه عناصر دخیل در این معضل بوده است. این رویه تا سال ۱۳۹۵ که با افزایش شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها و اعمال نظارت جدی‌تر از سوی بانک مرکزی، بخش کوچکی از دارایی‌های موهومی انباشت شده در ترازنامه بانک‌ها آشکار گردید، ادامه داشت (دروریان و حسینی دولت‌آبادی، ۱۴۰۰).

افزایش نقدینگی، پایه پولی و تورم

معمولاً سه تا چهار سال دوره اجرای یک پروژه به طول می‌کشد تا یک پروژه مشارکت به فروش اقساطی تبدیل شود. این در حالی است که در دوره مشارکت سودی تحت عنوان سود تعهدی شناسایی می‌شود که دوره پرداخت آن در آینده مثلاً سه سال آتی آغاز می‌شود. بنابراین حسابداری تعهدی با انتقال زیان به دوره‌های آتی به پنهان شدن ریسک‌های عملیاتی ناشی از این اقدام دامن می‌زند.^۱ درآمد و هزینه‌های بانک‌ها در تعامل با مشتریان غیر بانکی به‌طور مستقیم بر سپرده‌های آن‌ها (بدهی شبکه بانکی) تأثیر دارد. درآمدهای بانک‌ها که از مشتریان غیر بانکی حاصل می‌شود، منجر به محو سپرده‌های مشتریان می‌گردد. در مقابل آن دسته از هزینه‌های بانک که به مشتریان غیر بانکی پرداخت می‌شود، از طریق خلق سپرده (افزایش سپرده‌های بانک) صورت می‌گیرد. درآمدهای بانک را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: ۱- درآمدهای ناشی از سود تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها، ۲- درآمدهای کارمزدی که ناشی از ارائه خدمات (هزینه نقل و انتقال پول یا صدور چک و...) بانک است. تفاوت درآمدهای ناشی از سود تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها با درآمدهای ناشی از کارمزد آن است که دسته اول صرف‌نظر از حصول یا عدم حصول آن، بر اساس حسابداری تعهدی در صورت‌های مالی بانک به عنوان درآمد

1 <http://www.accpress.com/news/1394/12/>

ثبت می‌شود، اما تنها در صورتی منجر به محو سپرده (انقباض ترازنامه بانک) می‌شود که واقعاً توسط تسهیلات گیرنده بازپرداخت شده باشد. سود سرمایه‌گذاری‌ها نیز چنانچه واقعاً به صورت نقدی برای بانک حاصل شود، منجر به محو سپرده‌ها خواهد شد، در غیر این صورت، در عین ثبت به عنوان درآمد، تأثیری بر کاهش حجم سپرده‌های بانک ندارد. اما درآمدهای کارمزدی با توجه به ماهیت آن، عموماً منجر به کاهش سپرده‌های بانک می‌شود. در مقابل هزینه‌های بانک (هزینه‌های عملیاتی و سود سپرده‌ها) از طریق خلق سپرده بانکی پرداخت می‌شود و منجر به افزایش حجم سپرده‌ها خواهد شد. نکته حائز اهمیت آنکه پرداخت هزینه‌ها به مشتریان غیر بانکی به طور قطعی منجر به افزایش سپرده‌های بانکی می‌شود (درودیان و حسینی دولت‌آبادی، ۱۴۰۰).

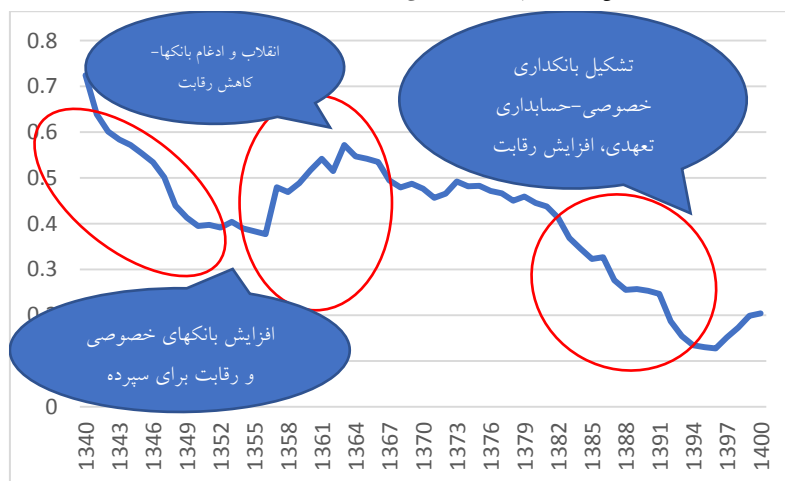
افزایش بی‌ضابطه هزینه‌ها و کاهش درآمدهای بانکی:

زمانی که بانک‌ها بتوانند از انواع تسهیلات خود دارایی تعریف نموده و از آن سود شناسایی کنند، لذا کمتر به فکر مدیریت هزینه‌های خود و کاهش آن‌ها خواهند بود. برای مثال تعداد مالکیت بالای بانک‌ها در ارتباط با خانه‌های خالی، انواع ساختمان‌های تجاری و ... و همچنین هزینه‌های بالای بانک‌ها در ارتباط با انواع هزینه‌های پرسنلی و اداری گویای این مطلب می‌باشد. این هزینه‌کردها اصولاً موجب توزیع نامناسب درآمد و تغییر تخصیص بهینه اقتصاد با توجه به ترکیب تقاضای بانک‌ها می‌گردد. نتیجه منطقی این شرایط کاهش درآمدهای واقعی و افزایش هزینه‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر بانک کمتر به دنبال افزایش درآمدهای خود و همچنین کنترل هزینه‌های خود خواهد بود. بنابراین برای مثال هزینه پرداخت سود سپرده‌ها نیز افزایش یافته و در نتیجه کاهش نسبت پول به شبه پول نیز به همین علت در این دوره‌ها افزایشی بوده است.

ناتوانی نظام حکمرانی در کنترل نرخ بهره و محدود ساختن بانک‌ها در بسط ترازنامه، در شرایطی بود که الگوی حسابداری تعهدی (در غیاب حسابرسی و نظارت مقتدرانه) این امکان را به بانک‌ها می‌داد که به محض تعریف تسهیلات و بدون بازگشت واقعی آن، دارایی و سود را شناسایی کرده و سپس با روش‌های مختلف دارایی سوخته خود را زنده نشان دهند و به صورت دوره‌ای بر آن (مطالبات لا وصول) بیفزایند. قدرت خلق پول نیز بانک‌ها را قادر کرد بدون حصول

درآمد واقعی، به تأدیه دیون خود به‌ویژه پرداخت بهره بی‌منا ادامه دهند (دروریان و حسینی دولت‌آبادی، ۱۴۰۰). اوضاع نابسامان اقتصادی سال‌های اخیر، تحریم‌ها، بدهی دولت به‌نظام بانکی و... در تحلیل‌های رایج، غالباً عوامل اصلی شکل‌دهنده وضعیت کنونی بانک‌ها تلقی می‌شود، اما چنین تحلیلی فرافکنانه است، زیرا مدیریت خوب همانند ناخدای ماهر برای دریای توفانی است. اگر نه، در دریای آرام هنر مدیریت حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای قابل‌تمییز نیست. همچنین است مسئولیت حسابرسان مستقل و مقام ناظر بانکی که آنان نیز باید به وظیفه ذاتی خود عمل می‌کردند که اگر این‌گونه می‌شد، البته این داستان و به‌تبع آن سرنوشت بانک‌ها به‌گونه دیگری رقم می‌خورد؛ بانک‌ها نمی‌توانستند در اوج اوضاع نابسامان اقتصادی، سودهای فریبنده بسازند، مالیات آن را پردازند و آن را بین سهامداران تقسیم کنند و قبل از آن نیز با نرخ‌های جذاب به سپرده‌گذاران سود پردازند و در آن‌سوی ماجرا، دولت‌ها نیز با مشاهده این‌خوان گسترده و صورت‌های مالی آرایش‌شده، ترغیب نمی‌شدند تا آنجا که می‌توانند تسهیلات تکلیفی بدون ارزیابی اعتباری بر بانک‌ها تحمیل کنند یا بدهی خود را به آن‌ها پردازند و در پایان داستان نیز پاداش‌های مدیریتی از سودی که خلق نشده است، تخصیص یابد. اگر این‌گونه می‌شد، امروز شاهد وضعیت اسفناک نظام بانکی نبودیم (بدری، ۱۳۹۵). بستر معیوب بانکداری و رقابت کنترل نشده بین بانک‌ها در ایران شکل گرفته از ابتدای دهه ۱۳۸۰ که مشخصه‌های اصلی آن عبارت بودند از: فقدان حکمرانی در تعیین نرخ بهره، عدم برخورد مقتدرانه با بازیگران بد (دامن‌زنندگان به بازی نرخ بهره، اضافه برداشت کنندگان از بانک مرکزی بدون تودیع وثیقه، متخلفان از نسبت‌های مقرراتی نظیر کفایت سرمایه و...)، امکان شناسایی درآمد و سود مستقل از وضعیت واقعی درآمدزایی بانک و بازپرداخت مطالبات (حسابداری تعهدی با حسابرسی و نظارت بسیار ضعیف)، توانایی سیستم بانکی در ساختن دارایی موهومی و پرداخت بهره‌های بالا به سپرده‌ها از طریق خلق پول بدون پشتوانه دارایی؛ به سبب بروز تکانه‌ها و اعمال برخی سیاست‌های اقتصاد کلانی در دهه ۱۳۹۰ منجر به ناترازی در سیستم بانکی شد (دروریان و حسینی دولت‌آبادی، ۱۴۰۰).

شکل ۲. نسبت پول به نقدینگی در سال‌های ۱۳۴۰-۱۴۰۰



افزایش مطالبات غیر جاری و بدهکاران بانکی

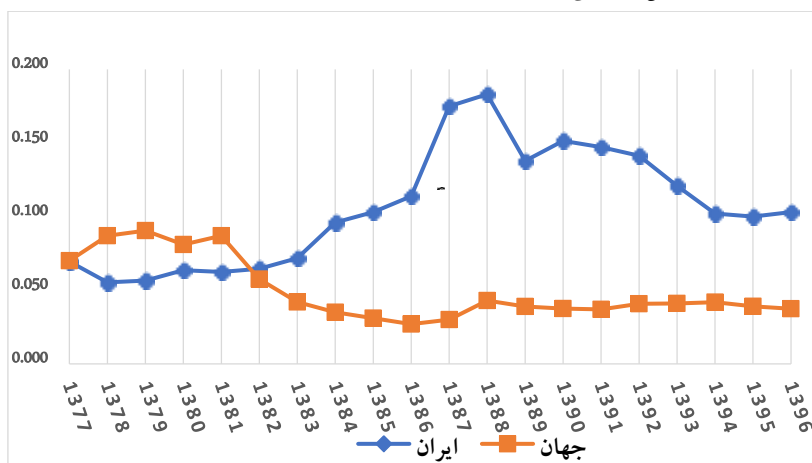
سود و وجه التزام بسیار بالا از تسهیلات مشکوک الوصول و سوخت شده؛ اگر مانده تسهیلات دریافتی بانک‌ها به سه جزء متشکله شامل اصل، سود دریافتی و وجه التزام دریافتی تفکیک شود، واقعیت مهمی آشکار می‌شود که ممکن است در نگاه اول برای بسیاری (حتی اهالی حوزه حساب) متصور نباشند؛ واقعیتی که نشان می‌دهد سود و وجه التزام دریافتی شناسایی شده روی برخی تسهیلات (به‌ویژه تسهیلات کلان) چند برابر مبلغ اصل اولیه است؛ تسهیلاتی که مدت‌هاست اساساً مشکوک الوصول و فراتر از آن یعنی سوخت شده است و مطابق اصول و استانداردهای حسابداری، باید در اولین زمان ممکن نه تنها جریان شناسایی سود آن متوقف می‌شد؛ بلکه کل آن نیز از ترازنامه بانک‌ها حذف می‌شد. اما نه تنها این گونه نشد، بلکه بستری فراهم شد که با رشد تصاعدی، گلوله برف دیروز بهمن امروز را بسازد. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، باید از منابع ریخته شده بانک‌ها (مستقیم و غیرمستقیم) به بنگاه‌های ریزدرشت پنهان و آشکاری نام برد که ارزش منصفانه آن‌ها فاصله بسیار چشمگیری با مبالغ نشسته در ترازنامه‌ها دارد؛ به گونه‌ای که در برخی بانک‌ها، فعالیت واسطه‌گری مالی فرع و بنگاهداری اصل شده است (بدری، ۱۳۹۵).

در صورتی که مطالبات بانک غیر جاری شود، اعطای تسهیلات واقعی جدید نیز با مشکل مواجه می‌شود. اما به دلیل حکمرانی بسیار ضعیف در نظام بانکی ایران، فشار ناشی از مطالبات غیر جاری بانک‌ها، بیش از آنکه به بانک‌ها وارد شود، به بخش واقعی اقتصاد وارد شد. توضیح آنکه بانک‌ها طی سالیان طولانی، در چارچوب حسابداری تعهدی و در فقدان نظارت کارآمد بانک مرکزی (و بعضاً به استناد برخی مصوبات قانونی)، مطالبات غیر جاری خود را دائماً امهال کرده و در ردیف مطالبات جاری ثبت می‌کردند. به این ترتیب اولاً نیازی به ذخیره‌گیری برای مطالبات غیر جاری وجود نداشت و دارایی‌های بانک متناسب با بدهی‌های او رشد می‌کرد (شکاف دارایی - بدهی آشکار نمی‌شد)؛ ثانیاً بانک‌ها از محل همین مطالبات، به شکل صوری، درآمد شناسایی می‌کردند و هزینه‌های خود را پوشش می‌دادند؛ ثالثاً با شناسایی سود از محل همین درآمدهای موهوم، سهم سود سهامداران و پاداش مدیران را پرداخت کرده و سرمایه بانک را افزایش می‌دادند (چرخه «دارایی موهوم، درآمد موهوم، سرمایه موهوم»). به این ترتیب، ترازنامه بانک‌ها دائماً منبسط می‌شد (بدون آنکه معادل این انبساط دارایی‌ها، تسهیلات جدید به بخش واقعی اقتصاد تزریق شود) و الزامات کفایت سرمایه بانک‌ها نیز به یمن سودهای شناسایی شده از محل مطالبات غیر جاری و افزایش سرمایه انجام شده از آن محل، کمایش رعایت می‌شد (دروودیان و حسینی دولت‌آبادی، ۱۴۰۰).

رقم مطالبات غیر جاری بر اساس استانداردها و عرف بین‌المللی باید بین ۲ تا ۵ درصد تسهیلات اعطایی باشد و معوقات بیش از ۵ درصد تسهیلات بانکی به عنوان ریسک پرخطر محسوب می‌شود؛ این مسئله برای ایران از سال ۱۳۸۲ به بعد به وضوح قابل انطباق می‌باشد. مطالبات غیر جاری در ایران نسبت به متوسط کشورهای دنیا قبل از سال ۱۳۸۲ به نسبت کمتر و دارای وضعیت بهتری بوده است و بعد از سال ۱۳۸۲ با یک نرخ صعودی همواره بالاتر از استاندارد جهانی بوده است. به نظر می‌رسد امکان بانک‌ها برای شناسایی سود از تسهیلات غیر جاری^۱ برای عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین و قرض الحسنه از ابتدای سال ۱۳۸۲ بر مبنای روش تعهدی این امر را موجب شده است.

۱ اگر چه بر اساس بخشنامه بانک مرکزی، در تاریخ ۹۴/۹/۹ به شماره ۹۴/۲۵۸۰۲۰ شناسایی سودهای موهومی از مطالبات غیرجاری ممنوع شده است، اما بانک‌ها به انحاء مختلف در حال حاضر نیز از مطالبات غیرجاری خود، سود شناسایی کرده و در برخی موارد ذخیره‌گیری تسهیلات طبقات مختلف تسهیلات غیرجاری را رعایت نمی‌کنند.

شکل ۳. بررسی روند نسبت مطالبات غیر جاری در جهان و ایران^۱



عدم تنظیم حسابداری متناسب با قانون بانکداری بدون ربا:

با توجه به متفاوت بودن چارچوب نظری نظام اقتصاد اسلامی با نظام اقتصاد سرمایه‌داری، این دو نظام دارای اهداف متفاوتی هستند؛ شالوده و اساس بانکداری در اقتصاد سرمایه‌داری عملیات ربوی است و رابطه بین بانک و مشتری رابطه بدهکار و بستانکار است. در صورتی که در بانکداری بدون ربا عملیات بانک غیر ربوی و رابطه بین بانک و مشتری رابطه وکیل و موکل است. در این صورت بانک بایستی نقش واقعی و کالت خود را ایفا کند و به موکلان خود پاسخگو باشد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). طبق اساسنامه سازمان حسابداری، این سازمان بایستی به تدوین و تعمیم اصول و ضوابط حسابداری و حسابداری منطبق با موازین اسلامی بپردازد.^۲ قانون‌گذار در

۱. منابع نسبت مطالبات غیر جاری در جهان از دو منبع زیر استخراج شده است:

<https://fred.stlouisfed.org/series/DDSI> NWDB156WA.021 (سالهای ۱۳۷۷-۱۳۸۹)

<http://data.worldbank.org/indicator/FB.AST.NPER.ZS> (سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۶)

منابع نسبت مطالبات غیر جاری ایران از منابع زیر استخراج شده است:

-تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲-۱۳۹۶)

-نظریان و صفریور (۱۳۹۰)، ارزیابی تأثیر نرخ سود بانکی بر نوسانات مطالبات معوق شبکه بانکی کشور، فصلنامه علوم اقتصادی، سال پنجم، شماره ۱۷، (سالهای ۱۳۷۷-۱۳۸۲)

۲. ماده ۶ - موضوع سازمان عبارت است از تأمین نیازهای اساسی دولت در زمینه حسابداری و ارائه خدمات مالی لازم به بخشهای دولتی و تحت نظارت دولت و تدوین و تعمیم اصول و ضوابط حسابداری و حسابداری منطبق با موازین اسلامی و تحقیق و تتبع در روشهای علمی و عملی به منظور اعتلای دانش تخصصی منطبق با نیازهای کشور.

همین اساسنامه برای ایجاد ضمانت اجرایی و حمایت مطلق از سازمان، ضمن تعیین سازمان به عنوان تنها مرجع تخصصی و رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در سطح کشور^۱، پیش‌بینی کرده که گزارش‌های حسابرسی و صورت‌های مالی که در تنظیم آن‌ها اصول و ضوابط تعیین شده از طرف سازمان رعایت نشده باشد در هیچ یک از مراجع دولتی قابل استفاده نخواهد بود. قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲ تصویب و به مورد اجرا گذاشته شده است، اما سیستم حسابداری مناسب و مورد نیاز برای ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی حاکم بر الزامات این قانون تدوین و طراحی نشده است. برای مثال سیستم مورد عمل از قابلیت‌های لازم برای اجرای قراردادهای دارای سود نامشخص (عقود مشارکتی)، به دلیل پیچیدگی و مشکلات محاسبه سود مبتنی بر نتایج واقعی عملکرد، برخوردار نیست و به محاسبه درست سود ناشی از این عقود منجر نمی‌شود.

مدل حسابداری مورد عمل در نظام بانکداری کشور، از قابلیت‌های لازم برای نگهداری حساب و گزارشگری سود یا زیان مبتنی بر نتایج واقعی عملکرد حاصل از عقود مشارکتی برخوردار نیست (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱). اصلاح نظام حسابداری بانک‌ها نیز مستلزم تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی بانکداری بدون ربا بوده که بر اساس قانون بر عهده سازمان حسابرسی (به عنوان مرجع رسمی تدوین استانداردهای حسابداری کشور) بوده که در این زمینه هم اقدامی صورت نگرفته است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). عدم محاسبه سود مبتنی بر عملکرد واقعی توسط بانک‌ها و اعمال درآمد و در نتیجه سود بر اساس نرخ‌های مورد انتظار به صورت تضمینی و بدون توجه به نتایج عملکرد موضوع مشارکت با مفاد قانون عملیات بانکداری بدون ربا و ضوابط شرعی ناظر بر آن به طور کامل منطبق نبوده و می‌باید در نهایت بر اساس نتایج عملکرد واقعی تعدیلات لازم در حساب‌ها صورت پذیرد (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱). در بانکداری بدون ربا نمی‌توان در مورد قراردادهای با سود نامشخص مانند عقود مشارکتی و مضاربه پیش از انجام کار سود قطعی تعیین کرد و یا هر ساله سود علی الحساب اعلام و در پایان سال بدون محاسبه سود واقعی، همان سود را به عنوان سود قطعی تلقی نمود و یا همانند بانک‌های ربوی برای هر نوع کار

۱. مرجع تخصصی و رسمی تدوین اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در سطح کشور این سازمان می‌باشد. گزارشات حسابرسی و صورتهای مالی که در تنظیم آنها اصول و ضوابط تعیین شده از طرف سازمان رعایت نشده باشد در هیچ یک از مراجع دولتی قابل استفاده نخواهد بود.

نامشخصی تسهیلات پرداخت کرد و یا اموال و سپرده‌های نزد بانک را در راه‌های غیرشرعی به کار گرفت (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶).

همچنین نگهداری حساب و گزارشگری مالی جداگانه برای هر یک از عقود و در قالب یک حساب مستقل به ارتقای ظرفیت مسئولیت پاسخگویی گزارشگری مالی بانک از یک طرف و تسهیل محاسبات مربوط به درآمد و سود بر اساس قانون بانکداری بدون ربا و الزامات شرعی ناظر بر آن از طرف دیگر کمک شایان توجهی می‌نماید. این حساب‌های مستقل می‌تواند شامل: حساب مستقل عقود مشارکتی، حساب مستقل عقود مبادله‌ای، حساب مستقل عقود قرض‌الحسنه، حساب مستقل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، حساب مستقل فعالیت‌های عمومی، و حساب مستقل فعالیت‌های غیر مشاع باشد (باباجانی و شکرخواه، ۱۳۹۱). نظام حسابداری فعلی که بانک‌ها ملزم به پیروی از آن هستند با حسابداری رایج در دیگر کشورها از جمله کشورهای سرمایه‌داری تفاوت چندانی ندارد. و می‌توان نتیجه گرفت که در حال حاضر سیستم حسابداری و حسابرسی کشور نه تنها از نظام بانکداری بدون ربا پشتیبانی نمی‌کند، بلکه مانعی برای اجرای صحیح بانکداری بدون ربا نیز می‌باشد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶).

نکته مهم دیگری که بانک‌های ایران با آن مواجه‌اند اما در این سی و اندی سالی که از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا گذشته راه‌حلی منطقی برای آن ارائه نشده، اجرای صحیح و منطبق با مفاد این قانون است. بانک‌ها در حقیقت مفاد قانون یادشده را به‌ویژه در مورد عقود مشارکتی به نحو صحیح اجرا نمی‌کنند. این امر هم‌ریشه در نظام حسابداری و گزارشگری مالی مورد عمل دارد که برای استقرار این نوع عملیات بانکداری طراحی نشده است و قادر به محاسبه سود واقعی ناشی از تسهیلات اعطایی مبتنی بر عقود مشارکتی نیست. سود ناشی از فعالیت‌های تسهیلات گیرنده که با استفاده از تسهیلات اعطایی مبتنی بر عقود مشارکتی کسب می‌شود، بر اساس قانون مذکور باید بین بانک و تسهیلات گیرنده تقسیم شود. محاسبه سود واقعی تسهیلات اعطایی مبتنی بر عقود مشارکتی، مستلزم استفاده از یک سیستم حسابداری مناسب است که قادر باشد رویدادهای مالی مرتبط با استفاده از این نوع تسهیلات را جدای از سایر فعالیت‌های تسهیلات گیرنده، شناسایی، ثبت و گزارش کند. در حال حاضر سیستم حسابداری مورد عمل هر دو طرف در گیر یعنی بانک و تسهیلات گیرنده از چنین قابلیتی برخوردار نیست.

عدم وجود شفافیت بانکی:

یکی از موارد لازم برای سیاست گذاری توسط بانک مرکزی، وجود شفافیت در گزارشگری مالی است. برای مثال در حال حاضر آمار دقیقی از انواع تسهیلات جاری و غیر جاری وجود نداشته و سیاست گذار در ارتباط با میزان امهال تسهیلات بانکی اطلاعات شفاف و موثقی ندارد. همچنین برای مثال در حال حاضر سیاست گذار بانکی در ارتباط با سهم انواع صنایع از تسهیلات بانکی مطلع نبوده و لذا سیاست گذاری در این ارتباط بسیار دشوار شده است. صورت جریان وجوه نقد برای هر یک از حساب ها کمک بزرگی به انواع تحلیل ها می کند. بدین منظور این موارد باید با استفاده از یک نظام حسابداری و حسابرسی منظم و شفاف در اختیار بانک مرکزی یا مقام ناظر قرار گیرد.

بررسی حسابداری متناسب با نظام بانکی ایران؛ تعهدی یا نقدی

مقایسه نظرات موافقین و مخالفین

الف- کلیات:

شرکت هایی که از حسابداری تعهدی استفاده می کنند به محض صدور فاکتور برای مشتری درآمد و هزینه را به رسمیت می شناسند. از مزایای این نوع حسابداری این است که: ۱- شما از عملکرد و امور مالی تصویر بسیار دقیق تری دارید. ۲- با اطمینان بیشتری می توانید تصمیمات مالی بگیرید. ۳- گاهی اوقات ممکن است آسان تر باشد که برای تأمین منابع مالی بلندمدت خود را برنامه ریزی کنید. ۴- حساب های دریافتی و پرداختی را در برمی گیرد و در نتیجه تصویر دقیق تری از سودآوری شرکت به ویژه در بلندمدت ارائه می دهد. این در حالی است که از نظر مخالفین این روش دارای اشکالاتی است. این موارد عبارت اند از: ۱- این روش کار بیشتری می برد، زیرا شما باید علاوه بر بررسی فاکتورها، باید حساب بانکی خود را زیر نظر داشته باشید. ۲- جریان نقدی را ردیابی نمی کند و در نتیجه ممکن است شرکت با کمبود عمده نقدی در کوتاه مدت، علی رغم سودآوری در بلندمدت، مواجه گردد. ۳- ممکن است مجبور شوید قبل از اینکه مشتری واقعاً پول فاکتور را بدهد، مالیات بر درآمد را پرداخت کنید. این در حالی است که در حسابداری نقدی،

درآمد فقط در صورت دریافت پول در صورت‌های سود و زیان گزارش می‌شود. هزینه‌ها فقط زمانی که پول پرداخت می‌شود، ثبت می‌شوند.

روش نقدی بیشتر در کسب و کارهای کوچک و برای امور مالی شخصی استفاده می‌شود. از مزایای این روش می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱- روش ساده‌ای است و نشان می‌دهد چقدر پول در دست دارید. ۲- شما تنها بر اساس پولی که دریافت کردید، مالیات پرداخت می‌کنید و نه بر اساس فاکتورهایی که صادر کردید. ۳- پیگیری جریان نقدی شرکت بسیار آسان است. همچنین از معایب این روش می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱- این روش دقیق نیست. این روش فقط به دلیل اینکه صورت‌حساب‌های خود را پرداخت نکرده‌اید، می‌تواند سودآوری شما را نشان دهد. ۲- از آنجایی که فقط یک نگاه روزمره به امور مالی دارید، نمی‌تواند به شما هنگام اتخاذ تصمیمات مدیریتی کمک کند.^۱

ب- شفافیت بیشتر در حسابداری تعهدی:

در مجموع حسابداری تعهدی اطلاعات و گزارش‌های مالی صحیح‌تر و دقیق‌تری جهت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و اجرای عملیات و برنامه‌ها در اختیار مدیران سازمان‌های دولتی قرار می‌دهد و در مقابل در مبنای نقدی تعدیل شده، ثبت درآمدها در دوره دریافت و جوه نقد و ثبت هزینه‌ها مستلزم تحقق دو شرط لازم و کافی یعنی ایجاد تعهد و انجام پرداخت است. در این راستا تغییر نگرش از وضعیت بدون انعطاف که فقط درآمدهای کسب‌شده و هزینه‌های پرداخت‌شده گزارش می‌شوند به وضعیتی با تأکید بر پیش‌بینی‌های امیدوارکننده و نزدیک به واقعیت اطلاعات برای تنظیم بودجه سال‌های آتی است و در این شرایط افزایش کارایی قابل‌انتظار است. به عبارت دیگر مبنای نقدی به دلیل اینکه اطلاعاتی درباره چگونگی مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های دولت ارائه نمی‌دهد، توانایی ایفاء مسئولیت پاسخگویی ندارد. درواقع هزینه‌های واقعی دوره مالی با استفاده از مبنای نقدی حسابداری قابل گزارش نیست درحالی که این امر با استفاده از حسابداری تعهدی قابل گزارش است. از طرفی کیفیت اطلاعات ارائه‌شده در مبنای تعهدی به دلیل فراهم آوردن اطلاعات شفاف و صحیح بیش از سایر مبانی حسابداری است. لذا به کارگیری مبنای تعهدی و به تبع آن اجرای حسابداری تعهدی باعث افزایش توانایی پاسخگویی دولت و سایر

1 <https://blog.finto.ir/3523>

نهادهای بخش عمومی در قبال مسئولیت استفاده از منابع است (شهری، ۱۴۰۱). قبل از دهه ۱۹۸۰ میلادی تمامی کشورها از مبنای نقدی برای گزارشگری بخش عمومی استفاده می نمودند. در این زمان در سطح جهان نگرانی هایی در رابطه با عملکرد دولت ها ایجاد شد که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود. به همین جهت تغییرات فزاینده ای برای وقوع انقلاب در حسابداری و گزارشگری بخش عمومی به وجود آمد و نهادهای تدوین کننده استانداردهای حسابداری بخش عمومی در کشورهای توسعه یافته به وجود آمدند^۱:

- ✓ میزان رشد فعالیت های دولتی
- ✓ افزایش انبوه بدهی های دولت ها
- ✓ نیاز به افزایش شفافیت و پاسخگویی به شهروندان درباره فعالیت های دولت ها
- ✓ پرسش درباره ماهیت اطلاعات ارائه شده توسط دولت ها برای کمک برای به اتخاذ تصمیم مناسب

ج- مدیریت بهتر هزینه ها و درآمدها:

حسابداری تعهدی، در تصمیمات مدیریتی در خصوص اقلام ترازنامه نقش داشته و سبب مدیریت بهتر هزینه می گردد (شهری، ۱۴۰۱). در مبنای حسابداری نقد درآمدها به محض وصول وجه نقد و هزینه ها به محض پرداخت وجوه شناسایی و ثبت می گردند. یعنی انعکاس تنها معاملاتی که دربرگیرنده دریافت و پرداخت وجه نقد است بدون اینکه هیچ گونه تلاشی طی دوره برای ثبت صورت حساب ها با مبالغ پرداخت نشده مطالبات یا بدهی شرکت صورت گیرد. لذا از آنجایی که اغلب استانداردهای حسابداری بخش دولتی، با این فرض تدوین می شود که دولت درگیر فعالیت های بی طرفانه غیرانتفاعی است و وظیفه حسابداری دولتی، به گزارش فراغت دولت از بودجه، شرح تأمین و مصرف وجوه محدود می شود و نیازی به محاسبه دقیق نتایج عملکرد و وضعیت مالی دولت نیست. و به اعتقاد بعضی از کارشناسان فن روش نقدی برای حساب و کتاب هزینه کرد دولت جوابگو می باشد. البته حساب های دریافتی و پرداختی در صورت های مالی که با حسابداری نقد تنظیم می گردد، قابل مشاهده نخواهد بود. از طرف دیگر اموال خریداری شده

1 <http://hsabdamnews.blogfa.com/post/9>

به صورت مستقیم در حساب هزینه منظور می گردد و در حساب دارایی ثابت ثبت نمی شود. د- رابطه حسابداری تعهدی با قدرت خلق پول بانک‌ها:

حسابداری تعهدی و قدرت خلق پول می تواند دارای حالات مختلفی باشد. برای مثال وجود یا عدم هر دو و یا تنها یکی از آن‌ها می تواند متصور گردد. در این بخش تنها دو حالت بررسی می گردد. در حالت اول بیان می گردد که:

الف- حسابداری تعهدی خیر؛ قدرت خلق پول آری: اگر بانک‌ها نتوانند به وسیله حسابداری تعهدی در پایان سال سود موهومی شناسایی کنند (برای مثال از حسابداری نقدی استفاده کنند)، در شرایط فعلی عمدتاً از دو جهت خلق پول آن به شدت کاهشی خواهد بود: ۱- در حالت اول، اگر حسابداری نقدی به جای حسابداری تعهدی انجام شود، لذا بانک‌ها در شرایط فعلی شبکه بانکی، عموماً زیان شناسایی کرده و لذا نمی توانند به منظور تقسیم سود، خلق پول کرده و لذا خلق پول، نقدینگی و تورم کاهش می یابد. ۲- اگر حسابداری نقدی شود، در شرایط فعلی بانک پیش‌بینی زیان را خواهد داشت، به همین دلیل هزینه‌های خود را کنترل کرده (خلق پول کمتر) و درآمدهای خود را افزایش خواهد داد (محو پول بیشتر)، بنابراین خلق پول خالص توسط بانک کمتر خواهد شد.

ب- حسابداری تعهدی آری؛ قدرت خلق پول خیر: اگر بانک‌ها قدرت خلق پول نداشته باشند (برای مثال همانند یک صندوق باشند) اما از حسابداری تعهدی استفاده نمایند. بر این اساس بانک‌ها اگر سود شناسایی کنند، چون سود واقعی وجود ندارد نمی توانند آن را عملاً تقسیم کنند و لذا شناسایی سود آن‌ها کمتر می شود. و یا اگر دارایی آن‌ها افزایش یابد اما به علت عدم وصول مطالبات به عنوان هزینه، سود آن‌ها همانند حسابداری نقدی و یا حتی نیمه تعهدی خواهد بود. چراکه هزینه‌ها به صورت تعهدی محاسبه شده است اما درآمدها عملاً به صورت نقدی محاسبه می شود و بنابراین سود شرکت کاهش خواهد یافت. به عبارت دیگر می توان گفت در صورت عدم وجود قدرت خلق پول بانک‌ها، عملاً یا حسابداری نقدی ممکن خواهد بود و یا حسابداری نیمه تعهدی و یا مواردی شبیه به این دو، و عملاً حسابداری تعهدی قابلیت شناسایی سود بیشتر را نخواهد داشت. نکته دیگر این است که در صورت عدم وجود قدرت خلق پول، فرهنگ هزینه کرد بانک‌ها به سمت نقدی پیش خواهد رفت چراکه عدم ایفای هزینه‌ها از طرف بانک بعد از

چند نکول، به علت کمبود وجه نقد، منجر به عدم پذیرش طلبکاران یا همان خدمات دهندگان به بانک گردیده و آن‌ها تنها درازای دریافت پول نقد، خدمت خود را ارائه خواهند کرد (اگر هم بپذیرند، ریسک بسیار بالا وجود دارد) به عبارت دیگر در صورت نبود قدرت خلق پول بانک‌ها، هزینه‌ها نیز باید نقدی پرداخت شود و عملاً به سمت حسابداری نقدی حرکت خواهیم کرد. در این شرایط که معاملات در هزینه یا پرداخت هزینه عمدتاً نقدی است لذا مبنای نقدی نیز مبنای کاملی است چون همه موارد دقیقاً نقدی است.

بنابراین می‌توان بیان کرد که مبنای حسابداری تعهدی همراه با قدرت خلق پول بانک‌ها البته همراه با عدم نظارت صحیح بر بانک‌ها، می‌تواند منجر به کنترل خلق نقدینگی و در نتیجه تورم در اقتصاد شود.

تحلیلی از حسابداری تعهدی و نقدی در ایران:

در این بخش ابتدا تحلیل بر اساس اهداف، سپس بر اساس مبانی اسلامی انجام می‌گردد و در نهایت در پایان نشان داده می‌شود که این دو روش در نهایت به یک نتیجه می‌رسند.

الف- تحلیل مدل حسابداری بر اساس اهداف:

هدف اول؛ مدیریت هزینه‌ها و درآمدها:

هدف بخش عمومی، تحصیل سود نیست، به همین دلیل صورت سود و زیان در استانداردهای حسابداری بخش عمومی پیش‌بینی نشده است. در واقع تغییر در وضعیت مالی در این استانداردها مدنظر قرار گرفته که ناشی از هدف اصلی این بخش یعنی ارائه خدمات عمومی به مردم است^۱. این ادعا که هدف بخش عمومی تحصیل سود نیست صحیح است اما نکته مهم در زمینه بانکداری اسلامی این است که یک بانک باید در حقیقت و به صورت واقعی هزینه‌های خود را تا حد ممکن کاهش داده و درآمدهای خود را نیز افزایش دهد و در نهایت به عنوان یک بانک کارا مطرح گردد. این مسئله لزوم کارایی بانک‌ها را نشان می‌دهد. ریخت‌وپاش در هزینه‌ها و عدم وصول درآمدها که منجر به افزایش مطالبات معوق شده است، یکی از آفات اصلی نظام بانکی ایران است.

۱. پاسخ وزارت اقتصاد به یک یادداشت، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۱۲/۱۸.

نکته مهم در این زمینه این است که شناسایی سود موهومی را نمی‌توان افزایش درآمد و یا کاهش هزینه دانست.

هدف دوم؛ جلوگیری از افزایش نقدینگی و تورم:

همان‌گونه که در بخش‌های مختلف مقاله نیز مطرح گردید، شناسایی سود موهومی علاوه بر افزایش نقدینگی، افزایش پایه پولی و اضافه برداشت‌ها، منجر به توزیع نامناسب درآمدی نیز می‌گردد. چراکه توزیع سود در حقیقت نباید انجام می‌شده است اما این سود به علت شناسایی سود موهومی اتفاق افتاده است. بنابراین با توجه به شرایط ایران، ادامه این روند مستلزم افزایش نقدینگی و تورم است. نکته مهم در این زمینه این است که اگرچه تنها حسابداری تعهدی منجر به این مشکلات نشده و عوامل دیگری همچون کوتاهی حسابرسان، بانک‌ها و نهاد ناظر نیز دخیل بوده است؛ اما باید بیان کرد که حسابداری تعهدی نیز از عوامل دخیل در این مسئله بوده است و لذا به علت نبود شرایط برای ادامه حسابداری تعهدی، به نظر می‌رسد این مینا نیازمند برخی تغییرات باشد.

ب- تحلیل مدل حسابداری بر اساس مبانی اسلامی:

همان‌گونه که مفصلاً نیز بحث گردید با توجه به اهداف و شاخص‌های بانکداری اسلامی، مدل حسابداری نیز باید در این زمینه متفاوت باشد. بسیاری از اندیشمندان اسلامی و همچنین حسابداران کشورهای اسلامی نسبت به استانداردهای بین‌المللی حسابداری متفق نبوده و تغییرات مختلفی را در آن‌ها داده‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد در ارتباط با تحصیل درآمدها و هزینه‌ها باید به چند اصل زیر توجه نمود:

اصل اول؛ مبنای تعهدی برای درآمدها مناسب نیست:

اندازه‌گیری در نظام حسابداری متناسب با بانکداری بدون ربا بر پایه ارزش جاری است به عبارت دیگر برای محاسبه درآمد صحیح بانک‌ها و تعیین سود واقعی سهامداران و سپرده‌گذاران و عدم انتقال درآمدهای یک دوره به دوره‌های بعد، لازم است اندازه‌گیری در نظام حسابداری بانکداری بدون ربا بر مبنای ارزش جاری انجام شود. خبرگان در خصوص این فرضیه اعتقاد دارند بانک‌ها باید از روش‌هایی استفاده کنند که موجب غرر (خدعه و فریب) نشود و از انتقال ثروت سپرده‌گذاران به سهامداران و بالعکس اجتناب گردد (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۶). در متون فقهی

یکی از شرایط مالکیت قبض مال است لذا بر این اساس شناسایی درآمد از مالی دارایی که هنوز تحصیل نشده است، ممنوع می‌باشد چراکه این دارایی هنوز مورد قبض قرار نگرفته است. علاوه بر این چون در حسابداری تعهدی ممکن است دارایی‌ها دریافت نگردد و همواره دارای ریسک باشد می‌توان گفت پذیرش ریسک باید در ارتباط با دارایی‌هایی که همچنان وصول نشده است وجود داشته باشد. چراکه در اصول اسلامی کسی دارنده منافع خواهد بود که ریسک آن را نیز تحمل نماید.

اصل دوم؛ مبنای نقدی برای هزینه‌ها مناسب نیست:

همان‌گونه که در حسابداری تعهدی ممکن است دارایی‌های بانک وصول نشود و در نهایت منجر به سود نشود، ممکن است در حسابداری نقدی نیز هزینه‌های بانک نیز به علت اینکه هنوز به صورت نقدی پرداخت نشده است محاسبه نشده و لذا سود را به شکل موهومی افزایش دهد؛ بنابراین محاسبه هزینه‌هایی که باید پرداخت شود و بانک به آن‌ها متعهد شده است، بر اساس قاعده فقهی المومنون عند شروطهم و سایر قواعد مشابه، باید همواره به عنوان اموال غیر در نظر گرفته شده و حسابداری آن به منظور محاسبه سود و زیان به عنوان حسابداری تعهدی در نظر گرفته شود.

اصل سوم؛ شفافیت لازمه بانکداری اسلامی:

هدف اساسی گزارشگری مالی بخش عمومی در ایران بر اساس مفاهیم نظری ارائه شده، کمک به این بخش برای ایفای وظیفه پاسخگویی در مقابل ملت است (داداشی و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از برجستگی‌های مبنای تعهدی نسبت به مبنای نقدی شفافیت آن مبنای و در نتیجه امکان مدیریت بهتر آن برای یک بانک می‌باشد لذا بدین منظور تهیه حساب‌های بانک‌ها بر اساس حساب‌های تعهدی به علت شفافیت حاصله از نظر مبانی اسلامی کاملاً توصیه شده است. لذا تهیه صورت‌های مالی بر این اساس همواره توصیه می‌شود.

ج- تطابق مدل حسابداری مطلوب بر اساس اهداف و بر اساس مبانی اسلامی:

همان‌گونه که در بالا بیان گردید در هر دو روش، نتیجه برابر است به عبارت دیگر به علت اینکه در روش پیشنهادی اول همواره باید هزینه‌ها کم باشد، لذا مدل پیشنهادی تعهدی هزینه‌ها را نسبت به مدل پیشنهادی نقدی افزایش می‌دهد و لذا با افزایش هزینه‌ها همراه با نظارت مقام ناظر بانک مجبور به مدیریت هزینه‌های خود خواهد شد. همچنین بانک با همین استدلال مشابه همواره

مجبور به افزایش درآمدهای خود خواهد شد. و چون برای تعیین سود از مبنای حسابداری نیمه تعهدی استفاده می‌شود لذا کمترین میزان سود شناسایی می‌گردد و لذا میزان افزایش نقدینگی به‌صورت خالص وجود نخواهد داشت.

همچنین بر اساس مبانی اسلامی نیز دقیقاً همین نتایج حاصل می‌گردد. لذا پیشنهاد می‌گردد برای محاسبه سود باید همواره حسابداری نیمه تعهدی در نظر گرفته شود؛ یعنی محاسبه درآمدها بر اساس حسابداری نقدی و محاسبه هزینه‌ها بر اساس حسابداری تعهدی. اما برای شفافیت از حسابداری تعهدی کامل نیز در کنار حسابداری نیمه تعهدی استفاده گردد.

مبنای نیمه تعهدی در حسابداری به سیستمی گفته می‌شود که در آن، هزینه‌ها بر مبنای تعهدی و درآمدها بر مبنای نقدی، شناسایی و در دفاتر ثبت می‌شوند. مبنای نیمه تعهدی، ترکیبی از دو مبنای تعهدی و نقدی است و به لحاظ سهولت و قابلیت اجرا، موردپذیرش تعدادی از کشورها قرار گرفته است. به عبارت دیگر، چون در ثبت و شناسایی هزینه‌ها، امکان استفاده از مبنای تعهدی وجود دارد، بنابراین هزینه‌ها به‌محض ایجاد، بدون توجه به زمان پرداخت وجه آن‌ها، در دفاتر ثبت می‌شوند. به این ترتیب، یکی از مزایای مبنای تعهدی یعنی انعکاس واقعی هزینه‌های دوره مالی، در این سیستم مورد استفاده قرار می‌گیرد (باباجانی، ۱۳۸۵).

توصیه‌های سیاستی بر اساس شرایط اقتصادی ایران:

با بررسی روند حسابداری در نظام بانکی ایران و با توجه به اینکه نظام حسابداری اولاً باید یک نظام اسلامی باشد، و با توجه به اهداف یک نظام حسابداری مناسب در شرایط فعلی اقتصاد ایران، باید اولاً منجر به تورم نگردد و ثانیاً منجر به افزایش شفافیت و کارایی در نظام بانکی در صرف هزینه‌ها و شناسایی درآمدها به‌صورت واقعی باشد. علاوه بر اینکه سیاست‌های توزیع درآمد مناسب را نیز مدنظر داشته باشد، با تحلیل نظام فعلی پیشنهاد اولیه در دو بند مشخص می‌گردد: اول، مبنای حسابداری در نظام بانکی باید یک مبنای نیمه تعهدی بوده و این مبنا در کشورهای مختلف نیز بکار گرفته شده است.

دوم، از مبنای تعهدی نیز در کنار مبنای نیمه تعهدی به‌منظور شفافیت و مدیریت هر چه بهتر بانک‌ها بهره گرفته شود.

اما نکته مهم برای تحقق این مهم این است که:

اولاً، در کنار تغییر مبنای حسابداری به نیمه تعهدی، باید همواره نظارت بر بازرسان، و نظارت بر بانک‌ها را توسط سازمان حسابرسی و بانک مرکزی افزایش داد.

ثانیاً، صورت‌های مالی استاندارد ارائه شده توسط بانک مرکزی، به این الگو تا حدود قابل قبولی نزدیک شده است. اما نکته مهم این است که بانک‌ها عموماً با روش‌های مختلف از جمله امهال مطالبات بر اساس بخشنامه‌های بانک و یا برخلاف آن‌ها، این موارد را رعایت نمی‌کنند. و یا در برخی موارد بخشنامه‌های بانک مرکزی هم به صورت کاملاً صحیح تنظیم نگردیده است.

ثالثاً، انجام این موارد در عمل می‌تواند شوک‌های مختلفی را به نظام بانکی وارد نماید. بنابراین نظام حسابداری پیشنهادی بعد از نرخ سود صفر بانک، به صورت گام به گام اجرایی شود.

بر اساس موارد بالا پیشنهاد می‌گردد اولاً حسابداری نیمه تعهدی برای تشخیص میزان سود در کنار حسابداری تعهدی در بانک طبق روال سابق به منظور ایجاد شفافیت و کارایی در مدیریت ایجاد گردد. با اجرای حسابداری نیمه تعهدی سود برخی بانک‌ها منفی می‌گردد و آن‌ها زیان‌ده می‌شوند در غیر این صورت سود بانک‌ها توزیع خواهد گشت. سود منفی اعلامی به بانک‌ها اعلام گردد و این مهم به صورت تدریجی و گام به گام منجر به اصلاح هزینه‌ها و درآمدها و در نتیجه اصلاح شناسایی سود حقیقی می‌گردد. هم‌زمان با این روند ناظران بانکی نیز با کمک از کنترل مقداری ترازنامه بانک مرکزی به منظور کنترل درآمدها و هزینه‌ها به صورت واقعی (چون هزینه‌ها در کنترل ترازنامه از سمت بدهی‌ها محاسبه و محدود می‌گردد و درآمدها نیز اگر به صورت واقعی باشد دارای اثر مثبت بر کنترل ترازنامه می‌باشد) به اصلاح روند هزینه‌ها و درآمدهای بانک‌ها به صورت تدریجی خواهند پرداخت. توصیه می‌گردد سیاست کنترل ترازنامه توسط بانک مرکزی با قدرت و دقت بیشتر و هم از طرف بدهی‌ها و هم از طرف دارایی‌ها به صورت هم‌زمان و به صورت تنگ‌تر برای اهداف نقدینگی کمتر انجام گردد تا به تدریج نظام حسابرسی و حسابداری بانک‌ها نیز به سمت شفافیت، مدیریت بهتر هزینه و درآمد و کنترل بیشتر نقدینگی حرکت نماید.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسئله حسابرسی و حسابداری یکی از مسائل مهم در نظام مالی و بانکی ایران است. بر این اساس باید حسابداری متناسب با فرهنگ و شرایط جامعه باشد و بنابراین برای یک اقتصاد اسلامی، باید از حسابداری اسلامی استفاده گردد. بر این اساس تجارب و الگوهای ارزشمندی از تدوین استانداردهای حسابداری اسلامی در کشورهای مختلف دنیا و سازمان‌های مربوطه، وجود دارد. نکته مهم در این زمینه این است که در ایران نظام حسابرسی متناسب با قانون بانکداری اسلامی در ایران تغییر نکرده است. اما علاوه بر این مسئله، نکته مهم‌تر این است که در شرایط فعلی اقتصاد کشور اثرات عدم حسابرسی مناسب بر نظام بانکی، منجر به افزایش تورم و مشکلات مربوط به توزیع درآمد گردیده است. بر این اساس لزوم تدوین استانداردهای حسابداری متناسب با نظام اقتصادی و بانکی ایران برای کنترل تورم و اصلاح توزیع درآمد، بر اساس مبنای حسابداری تعهدی یا نقدی یا انواع ترکیب‌های این دو مطرح می‌گردد.

انواع مختلفی از تقسیم در حسابداری و گزارشگری مالی وجود دارد. برخی الگوها یک الگوی اسلامی است، برخی از الگوهای بین‌المللی تبعیت می‌کنند و برخی از الگوهای محلی، و یا انواع ترکیب‌های الگوهای مختلف. همچنین از نظر زمان شناسایی رویدادهای مالی نیز می‌توان مبانی مختلفی همانند: مبنای نقدی (کامل)، مبنای تعهدی (کامل)، مبنای نیمه تعهدی، مبنای تعهدی تعدیل‌شده و مبنای نقدی تعدیل‌شده را بیان نمود. در این زمینه تا حد زیادی حسابداری تعهدی در سراسر دنیا پذیرفته‌شده و این مبنا یک مبنای رو به گسترش است.

در ارتباط با حسابداری در بخش بانکی به علت قدرت بیشتر خلق پول بانک‌ها به‌ویژه در شرایط اخیر اقتصاد ایران، این مسئله تا حدودی متفاوت است و لذا تغییرات قابل‌توجهی در روند حسابداری در بخش بانکی به وقوع پیوسته است. بر این اساس بعد از حسابداری نقدی، تبدیل مبنای حسابداری نقدی به تعهدی در ۱۳۸۲ بر اساس دو بخشنامه بانک مرکزی و ادامه بر این موضوع با برخی توصیه‌های احتیاطی در حسابداری تعهدی در ۱۳۸۴ مبنی بر شناسایی صحیح‌تر سودها، در نهایت بخشنامه سال ۱۳۹۴ بانک مرکزی مبنی بر بازگشت به حسابداری نقدی در برخی موارد و شفافیت گزارش‌های بانک‌ها با ابلاغ استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS)

تعدیل یافته عملاً حسابداری تعهدی به حسابداری نقدی نزدیک گردید. این در حالی است که هم‌اکنون در عمل این موارد همچنان تأثیر قابل توجهی بر مشکلات نظام بانکی ناشی از حسابداری تعهدی در کنار سایر شرایط نداشته است.

بر همین اساس آسیب‌شناسی نظام حسابداری در بانکداری ایران عمدتاً با تأکید بر حسابداری با مبنای تعهدی نشان می‌دهد که آسیب‌های متعددی در این زمینه بر این اساس به وجود آمده است. این موارد عبارت‌اند از: ۱- عدم رعایت الزامات حسابداری تعهدی در ایران در زمان تغییر مبنای حسابداری، ۲- شناسایی سود موهومی و نا ترازای بانک‌ها، ۳- افزایش نقدینگی، پایه پولی و تورم، ۴- افزایش بی‌ضابطه هزینه‌ها و کاهش درآمدهای بانک‌ها (که منجر به افزایش انواع هزینه‌ها و کاهش درآمدها توسط بانک‌ها، از جمله افزایش بی‌ضابطه نرخ سود خارج از توان بانک‌ها و افزایش نسبت پول به نقدینگی در سال‌های تغییر مبنای حسابداری و ... گردیده است)، ۵- افزایش مطالبات غیر جاری و بدهکاران بانکی، ۶- عدم تنظیم حسابداری متناسب با قانون بانکداری بدون ربا (برای مثال عدم تعیین سهم مشارکتی به صورت واقعی و عدم تنظیم حساب جداگانه برای هر پرونده تسهیلاتی) و ۷- عدم وجود شفافیت بانکی.

در یک نگاه کلی و مقایسه نظرات موافقین و موافقین انواع مبنای حسابداری از نظر شناسایی زمان رویداد مالی، می‌توان بیان کرد که شفافیت مناسب و مدیریت بهتر در حال و آینده در حسابداری تعهدی معمولاً به عنوان مزیت‌های این حسابداری عموماً برای بخش‌های مختلف مطرح می‌گردد. در این میان نکته مهم این است که مبنای حسابداری تعهدی همراه با قدرت خلق پول بانک‌ها و به‌ویژه قدرت بانک‌های خصوصی، البته همراه با عدم نظارت صحیح بر بانک‌ها، می‌تواند منجر به کنترل خلق نقدینگی و در نتیجه تورم و افزایش اضافه برداشت در اقتصاد شود. بر این اساس با ورود مؤسسات اعتباری و بانکداری خصوصی از اوایل دهه ۱۳۸۰، همراه با عدم وجود ساختار نظارت کافی در شبکه بانکی کشور همراه با تغییر مبنای حسابداری، قدرت خلق پول بانک‌ها به‌ویژه در بانک‌های خصوصی افزایش یافته است.

در نهایت و برای پیدا کردن مدل مطلوب مبنای حسابداری در نظام بانکی با استفاده از دو روش این مهم انجام گردید. در روش پیشنهادی اول همواره باید هزینه‌ها کم باشد، مدل تعهدی هزینه‌ها را نسبت به مدل پیشنهادی نقدی افزایش می‌دهد. همچنین بانک با همین استدلال مشابه بانک

همواره مجبور به افزایش درآمدهای خود خواهد شد. لذا پیشنهاد می‌گردد در تعیین سود از مبنای حسابداری نیمه تعهدی استفاده شود لذا کمترین میزان سود نسبت به مبنای تعهدی کامل شناسایی می‌گردد و لذا میزان افزایش نقدینگی به صورت خالص وجود نخواهد داشت. بر این اساس اهداف محقق می‌گردد. همچنین در روش دوم بر اساس مبانی اسلامی نیز دقیقاً همین نتایج حاصل می‌گردد. اصل اول اسلامی در این زمینه این است که مبنای تعهدی برای درآمدها مناسب نیست. همچنین بر اساس اصل دوم مبنای نقدی برای هزینه‌ها مناسب نیست. و بر اساس اصل سوم، شفافیت لازمه بانکداری اسلامی است. در نهایت این دو روش دارای نتایج یکسان گردید.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای محاسبه سود باید همواره حسابداری نیمه تعهدی در نظر گرفته شود؛ یعنی محاسبه درآمدها بر اساس حسابداری نقدی و محاسبه هزینه‌ها بر اساس حسابداری تعهدی. اما برای شفافیت از حسابداری تعهدی کامل نیز در کنار حسابداری نیمه تعهدی استفاده گردد. تحقق سود منفی در برخی بانک‌ها، به صورت تدریجی و گام به گام منجر به اصلاح هزینه‌ها و درآمدها و در نتیجه اصلاح شناسایی سود حقیقی می‌گردد. هم‌زمان با این روند ناظران بانکی نیز با کمک از کنترل مقداری ترازنامه بانک مرکزی به منظور کنترل درآمدها و هزینه‌ها به صورت واقعی (چون هزینه‌ها در کنترل ترازنامه از سمت بدهی‌ها محاسبه و محدود می‌گردد و درآمدها نیز اگر به صورت واقعی باشد دارای اثر مثبت بر کنترل ترازنامه می‌باشد) به اصلاح روند هزینه‌ها و درآمدهای بانک‌ها به صورت تدریجی خواهند پرداخت. بر اثر سیاست کنترل ترازنامه به تدریج نظام حسابرسی و حسابداری بانک‌ها نیز به سمت شفافیت، مدیریت بهتر هزینه و درآمد و کنترل بیشتر نقدینگی حرکت می‌نماید.

فهرست منابع

- اکرمی، سیدرحمت اله، فعال قیومی، علی، و قدیریان آرانی، محمدحسین (۱۳۹۶)، گذار از حسابداری نقدی به تعهدی در بخش عمومی: دوره زمانی موردنیاز. حسابداری دولتی، ۳ (۲ پیاپی ۶)، ص: ۹-۱۸.
- ایمان داداشی، ایمان کارنما، میر حمید سادات سلماسی (۱۳۹۷)، تأثیر پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی بر پاسخگویی دولت، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۴۰، شماره پیاپی ۴۰، بهمن ۱۳۹۷، ص: ۱۸۷-۲۱۴.
- ایمانی، محمد، لیلا بندری، و علی پناهی (۱۳۸۲)، بودجه‌ریزی و حسابداری تعهدی (ویرایش اول)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، شماره مسلسل: ۶۸۶۳.
- باباجانی، جعفر (۱۳۸۵)، حسابداری و کنترل‌های مالی دولتی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- باباجانی، جعفر، و شکرخواه، جواد (۱۳۹۱)، مدل مناسب حسابداری برای بانکداری اسلامی در ایران با تأکید بر عقود مشارکتی. بورس اوراق بهادار، ۵ (۱۷)، ۱۶۳-۱۹۲.
- بابایان، علی؛ یاوری، علی؛ حسن پور، داود، امکان‌سنجی به‌کارگیری مبنای تعهدی تعدیل شده در نظام حسابداری و گزارشگری مالی در ناجا، نشریه مدیریت منابع در نیروی انتظامی؛ زمستان ۱۳۹۲، شماره ۴.
- بدری، احمد (۱۳۹۵)، چرخه معیوب سود موهوم، روزنامه دنیای اقتصاد، یک‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۵، شماره ۳۹۷۰.
- بدری، احمد، علی ابراهیم‌نژاد و علی طهماسبی ترشیزی (۱۳۹۷)، مدیریت سود و قیمت‌گذاری ریسک در صنعت بانکداری؛ شواهدی از ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۵، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۹۷، ص: ۱-۳.
- پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵)، صورت‌های مالی بانک‌های ایران در آیین تغییر، باهمکاری معاونت نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، کارگروه مطالعاتی IFRS در صنعت بانکداری، پاییز ۱۳۹۵.
- حیدری، هادی، و ایمان نوربخش (۱۳۹۶)، درآمد در معرض خطر بانک و قالب جدید گزارشگری صورت‌های مالی بین‌المللی (IFRS) مطالعه موردی یکی از بانک‌های خصوصی کشور؛ پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- دروریان، حسین؛ سیدمهدی حسینی دولت‌آبادی (۱۴۰۰)، ناهم‌ترازی پنهان در شبکه بانکی ایران (۱۳۹۳-۱۳۹۶): تحلیل چرایی و ریشه‌ها، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر اقتصادی.
- شهری، محمدرضا (۱۴۰۱)، بررسی و شناسایی مولفه‌های حسابداری تعهدی، مجله آفاق علوم انسانی، خرداد ۱۴۰۱، شماره ۶۲، ص: ۱۹-۳۱.
- صفرزاده، محمدحسین، دهپور، پرستو (۱۴۰۰)، محدودیت‌های به‌کارگیری مبنای تعهدی در بخش عمومی کشور ایران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴ (۴۷)، ص: ۱۳۹-۱۴۹.

طالب نیا، قدرت اله، البرزی، محمود، و زارعی، بتول (۱۳۹۰)، رایحه الگوی اقتضایی برای فرایند انتقال از مبنای نقدی به مبنای تعهدی در حسابداری دولتی ایران. دانش حسابداری، ۲(۵)، ۷۳-۵۱.

قرنی، ق. (۱۳۸۷)، آشنایی با سیستم حسابداری تعهدی و طبقه بندی تسهیلات، جزوه آموزشی، بانک ملی، تهران.

عبداللهی، حسین، تقی نتاج، غلامحسین، موسویان، سیدعباس (۱۳۹۶). «الگوی مطلوب حسابداری متناسب با نظام بانکداری بدون ربا»، اقتصاد اسلامی، ۱۷(۶۸)، ص: ۱۵۳-۱۸۴.

محرابی، لیلا و فرشته ملاکریمی (۱۳۹۵)، پیچیدگی‌ها و چالش‌های عملیات حسابداری انواع عقود در نظام بانکی؛ پانزدهمین جلسه از سلسله جلسات نقد و بررسی پژوهش‌های بانکداری و مالی اسلامی با موضوع «حسابداری تخصیص منابع (مضاربه، سرمایه‌گذاری و اجاره به شرط تملیک) در بانکداری اسلامی» با ارائه دکتر مهدی طغیانی و حضور دکتر جواد شکرخواه، یازدهم اسفند ۱۳۹۵، کد: ۲۷۲۹۸۳، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

والی‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری (ویرایش دوم)، جلد اول، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۸۴.

